



سپیمای نورانی  
امام زمان (عج)  
در  
قرآن و نهج البلاغه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای نورانی

امام زمان  
عجل الله

در قرآن و نهج البلاغه

کمساری، عباس، ۱۳۴۷

سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه / عباس کمساری - قم: مؤسسه

فرهنگی سماء، ۱۳۸۱.

۱۳۳ ص

ISBN: 964 - 7521 - 12 - x

۵۰۰۰ ریال

۱- محمد بن حسن، امام دوازدهم ۲۵۶ ق. الف. عنوان

۲۹۷/۹۵۹

BP ۵۱/

ISBN: 964 - 7521 - 12 - x

شابک: X-۱۲-۷۵۲۱-۹۶۴



انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء

---

سیمای نورانی امام زمان (عج)  
در قرآن و نهج البلاغه

---

نویسنده: عباس کمساری

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی سماء

ویرایش: الف - توحیدی

لیتوگرافی: امام سجاد علیه السلام

چاپ: یاران

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

بهاء: ۵۵۰۰ ریال

همه حقوق جهت مؤلف محفوظ است

مرکز پخش:

قم: خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه شماره ۲۴ (ممتاز)، پلاک ۷۳

تلفن ۷۷۴۰۳۹۰ - ۷۷۴۸۳۹۶

قم: تلفن: ۲۹۲۳۵۵۶ - ۰۲۵۱



اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ  
وَ عَلِيَّ آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَّ  
وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِيلاً وَ عِناً حَتَّى  
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمِيعَهُ فِيها طَوِيلاً .

بارالها: در این هنگام، و برای همیشه ولیّ امرت، امام زمان  
حجة بن الحسن را که درودهایت بر او و پدرانش باد  
سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش، تا  
گیتی را به فرمان او درآوری و تا دیر زمان بهره مندش  
گردانی.

تقدیم به:

پیشگاه آن امام عدالت گستر:

که پیوسته حق جویان و ستمدیدگان گیتی انتظار حضورش را داشته،

و با ظهورش:

رسالت ناتمام همه رسولان و اولیاء الهی تکمیل گشته و قسط و عدل

در زمین حاکم گردد.

به ولی عصر امام زمان (عج)...

## فرست مطالب

۶	تقدیم به:
۱۱	مقدمه:
۱۴	موضوع کتاب:

### فصل اول: سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن

۱۷	قرآن کتابی است ...
۱۸	قرآن شریف و حضرت مهدی (عج)
۱۹	جامعه جهانی اسلامی:
۲۲	وعده حکومت جهانی
۲۷	وراثت زمین
۳۱	وعده الهی
۳۴	پیروزی نور بر ظلمت
۳۷	نابودی فتنه و فساد

۳۸	..... طلوع حق
۴۰	..... پیروزی لشکر حق
۴۲	..... اراده خداوند
۴۸	..... پیروزی پیامبران
۴۹	..... اوصاف امام زمان (عج)، انقلاب و یاران آن حضرت در قرآن
۵۱	..... معجزه آسمانی
۵۴	..... ایمان به غیب
۵۶	..... یاران نیرومند
۵۹	..... ایام الله
۶۱	..... نشانه قیامت
۶۲	..... تملک بر شرق و غرب
۶۳	..... بقیه الله
۶۴	..... سیمای مجرمان
۶۵	..... حزب الله
۶۷	..... عصر مهدی (ع)

### فصل دوم: سیمای نورانی امام زمان (عج) در نهج البلاغه

۷۱	..... نهج البلاغه کتابی است
۷۳	..... حضرت مهدی (عج) از دیدگاه شیعه
۷۶	..... اخبار امام علی (ع) از غیبت
۸۰	..... تداوم امامت تا ظهور امام زمان (ع)
۸۲	..... احیاء کتاب و سنت
۸۴	..... ویژگیهای دولت کریمه امام عصر (عج)
۸۴	..... الف: اقامه قسط و عدل در جهان





ب: همه جهانیان موحد و خداپرست هستند.....	۸۵
ج: امنیت و صلح عمومی.....	۸۸
د: شکوفایی اوضاع اقتصادی جامعه.....	۸۹
ه: احیاء کتاب و سنت.....	۸۹
مخفی از دیدگاه مردم.....	۹۱
امکان تشرف به حضور امام زمان(عج) در زمان غیبت کبری.....	۹۲
توقع مبارک.....	۹۳
علامه حلی و عنایات ولی عصر(عج).....	۹۵
عنایت دوم.....	۹۷
راز تشرفات.....	۹۸
وصف حضرت مهدی(ع).....	۱۰۱
حضرت مهدی(عج) و اهل سنت.....	۱۰۲
بازگشت حکومت دنیا به آل محمد(ص).....	۱۱۰
غیبت صغری و غیبت کبری.....	۱۱۱
نواب اربعه در زمان غیبت صغری.....	۱۱۲
غیبت کبری.....	۱۱۴
فلسفه غیبت.....	۱۱۵
چرا امام زمان (ع) ظهور نمی کند:.....	۱۱۸
عدم طاقت و توانایی سلوک با ولی عصر.....	۱۲۰
اجتماع مؤمنین.....	۱۲۵
امام زمان (ع) چه وقت ظهور می کند؟.....	۱۲۶
علائم ظهور.....	۱۲۷
خروج سفیانی.....	۱۲۸

- ۱۲۸.....خروج دجال
- ۱۲۹.....ندای آسمانی
- ۱۳۰.....طول عمر
- ۱۳۲.....تاریخ و طول عمر
- ۱۳۳.....نتیجه:
- ۱۳۳.....طول عمر امام زمان (عج)

## مقدمه:

بدون شک، عقیده به وجود مقدس حضرت مهدی (عج) و ظهور آن حضرت به عنوان منجی عالم بشریت، باوری است اسلامی که در کتب آسمانی، بخصوص قرآن کریم و روایات و سنت پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه هدی پدید آمده و همه مسلمانان بر آن اتفاق دارند.

---

۱. عقیده مذکور تنها به مسلمانان اختصاص ندارد بلکه پیروان تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده نجاتبخش متفق بوده، و اعتقاد دارند در یک عصر تاریک و بحرانی که فساد و بی دینی همه جا را فرا گرفته یک نجات دهنده بزرگ جهانی ظهور نموده و بواسطه نیروی فوق العاده غیبی اوضاع آشفته جهان را اصلاح کرده و خداپرستی را بر بی دینی و مادیگری غلبه می دهد، و همه آنها در انتظار چنین موعود نیرومند غیبی بسر می برند. هر ملت و مذهبی او را با لقب مخصوصی می شناسد.

زرتشتیان او را به نام سوشیانس (نجات دهنده جهان)، یهودیان و کلیمیان بنام سرور میکائیلی، عیسویان بنام مسیح موعود و مسلمانان بنام مهدی موعود و منتظر می شناسند. این نوید را نه تنها در کتبی که به عنوان کتاب آسمانی باقی مانده اند مانند، کتاب زند و پازند و کتاب جاماسب نامه که کتب مقدس زرتشتیان می باشند، و کتاب تورات و ملحقات آن که کتاب مقدس یهودیان است و کتاب انجیل عیسویان می توان یافت بلکه در کتابهای مقدس براهمه و بوداییان نیز کم و بیش دیده می شود.

نکته قابل توجه این است که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات دهنده بزرگ ذکر شده در مورد مهدی موعود اسلام که از خاندان اهل بیت است قابل انطباق است.

و حتی گروهی از بزرگان و اندیشمندان و صاحب نظران به متواتر بودن احادیث وارده در این باب حکم نموده اند.

این اعتقاد، به عنوان اندیشه ای اسلامی بر پایه قویترین برهانهای عقلی و نقلی استوار است. بررسی شواهد بسیار تاریخی، بهترین تأیید بر صحت آن به شمار می رود.

بر هر انسان فرزانه و اندیشمند، روشن و واضح است که عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) عقیده ای است که امید می آفریند و نشاط و تلاش ایجاد می کند. سستی و ناامیدی و کسالت را از بین برده، حرکت‌های اصلاح گر و عدالتخواه را تشویق می کند.

طبق بیان صریح آیات مختلف قرآن مجید، اسلام هنوز به کمال اهداف خویش نرسیده و به مرحله تحقق همه آرمانها و هدفهایی که منظور بوده است دست نیافته است، ناگزیر باید روزی فرا رسد که اسلام عزیز بر همه گیتی حکمروا باشد و همه ستمگریها و حق کُشی‌ها را از بین ببرد.

آینده از آن اسلام و نور اسلام هر روز پرفروغتر و پرتو آن هر روز درخشانتر از قبل در همه دنیا احساس خواهد شد.

بشریت سرگردان امروز هرگز گمشده خود را در نظامهای شرقی و غربی نیافته و نخواهد یافت، بلکه نظامها و مکتبهای مادی و غیر الهی موجود، برای انسان امروز دستاورد و ارمغانی جز فرومایگی بیشتر، فزونی

۱. متواتر در لغت به معنای «پیاپی» و در اصطلاح علم حدیث به احادیثی گفته می شود که روایت کنندگان آن در هر طبقه، بگونه ای باشند که از مجموع روایات آنها علم عادی به صدور آن کلام و روایت از معصوم (ع) حاصل آید.

فحشا و فساد و استکبار نخواهد داشت.

اعتقاد به حضرت مهدی(عج) و منجی عدالت گستر این باور را در وجود ما زنده می کند که زمین نه از آن ستمگران و مستکبران است، بلکه متعلق به خداست و عاقبت کار برای تقوی پیشگان است.

## موضوع کتاب:

موضوع و هدف کتاب، ارائه مطالبی مختصر تحت دو عنوان ذیل می‌باشد:

۱ - سیمای نورانی امام زمان (عج) و مختصات حکومت جهانی آن حضرت در قرآن مجید.

۲ - سیمای نورانی امام زمان (عج) و مختصات حکومت جهانی آن حضرت در نهج البلاغه.

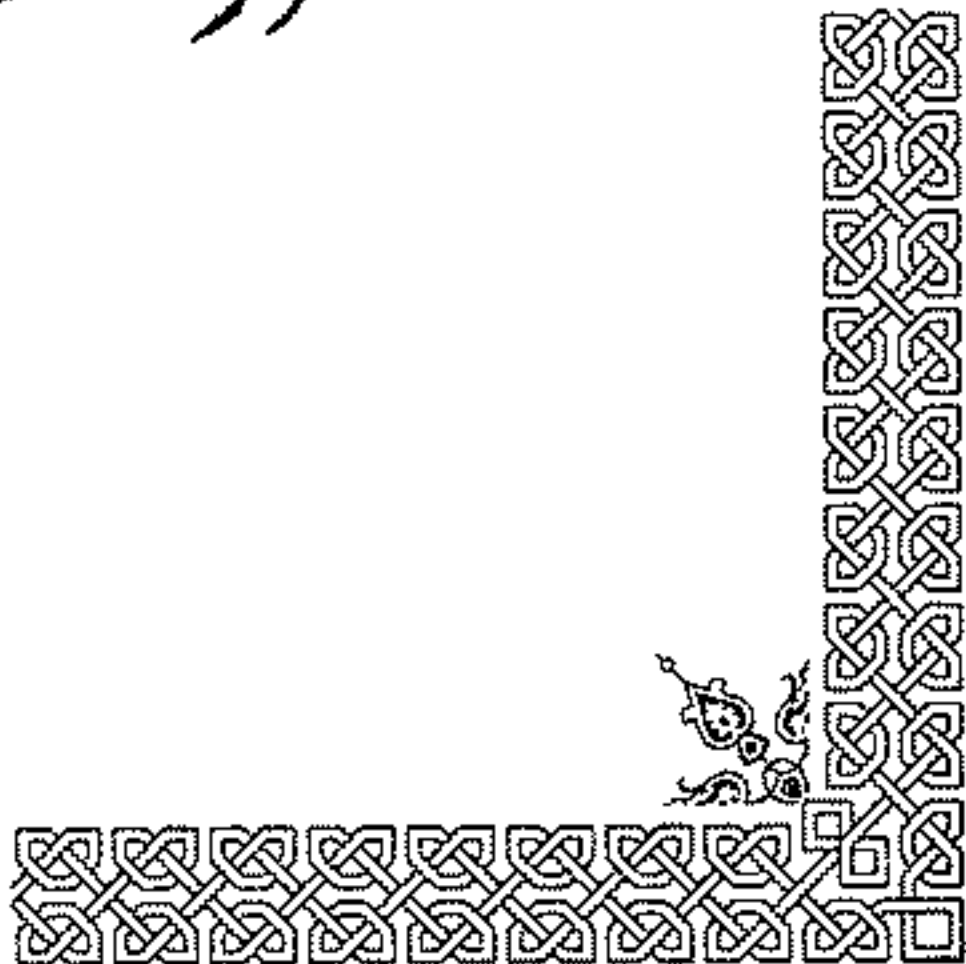
سعی شده است با استفاده از این دو منبع غنی اسلامی، شمه‌ای از اوصاف آن امام عدالت گستر و حکومت جهانی و عصر ظهور آن حضرت، تبیین شود.

امید است این مجموعه خدمتی ناچیز جهت شناسایی انقلاب آن حضرت و طریقی جهت شناخت سیمای نورانی آن امام منتظر (ارواحنا فداه) باشد و مقبول آستان رفیع مولی الزمان و بقیه الله فی الارضین حضرت حجة ابن الحسن (روحی له الفداء) واقع شود و همگی مشمول دعای خیر آن حضرت قرار گیریم.



# فصل اول

سیمای نورانی  
عجل الله  
امام زمان  
در مشران



## قرآن کتابی است...

قرآن کتابی است جامع و برنامه ایست کامل، که از سوی پروردگار دانا و حکیم توسط مأمور خود حضرت جبرئیل امین به بزرگترین معلم بشر، شخصیت ممتاز و والای انسانیت پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) فرود آمده است.

قرآن کتابی است که ما را به غیب آگاه نموده و به تاریخ گذشتگان آشنا می سازد.

قرآن کتابی است انسان ساز، روح بخش و روشنگر، کتابی که هر چه می خواهی در آن موجود، و تمام حقائق از آن جلوه گر است.

قرآن کتابی است که هر دانشمند طبق تخصص خود از آن بهره مند گردیده و حداکثر استفاده را می نماید.

قرآن دوی هر درد، کلید هر مشکل، شفای هر مرض، راهنمای هر گمراه و چراغ هر حیران، و کتابی است که موضوعات آن مختلف و هر نوع



علمی را در بر دارد.

قرآن مجموعه ایست که در هر فنی و در هر موضوعی وارد شده بتمام ابعادش نظر کرده و با طرز زیبایی آنها را بیان داشته.

قرآن کتابی است دینی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی، علمی، ... و کتابی است به قلم خدا، معلمش پیامبر، و مفسرش علی (ع) و فرزندان بزرگوار معصومش. قرآن سند نبوت و خاتمیت پیامبر اسلام، کتابی که بیش از هزار و چهارصد سال است بر پیامبر اسلام نازل شده و با وجود اینهمه دشمن تا به حال احدی نتوانسته مانند آن بیاورد و یا از آن مختصر ایرادی بگیرد.

باید گفت: قرآن کتابی است که ناطقه از وصف آن لال، فکر از فهم آن عاجز و قلم از نگارش اوصاف آن ناتوان است. برای شناختن قرآن همین یک آیه از قرآن کفایت می کند:

«هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»<sup>۱</sup>

این قرآن بیانگر حقایق است برای مردم، هدایت و پند است برای خویشان داران.

### قرآن شریف و حضرت مهدی (عج)

از قرآن آیات متعددی در مورد ظهور حضرت مهدی (عج) تفسیر و تأویل شده است، بعضی از محققین بیش از ۲۰۰ آیه از آیات قرآن کریم را متذکر شده اند که تفسیراً و تأویلاً مصداق وجود آن حضرت است.<sup>۲</sup> عالم

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۳۸

۲. حاکم حسکانی که از علمای اهل سنت است، در کتاب خود «شواهد التنزیل» به ۲۱۰ آیه، از آیات قرآن مجید و ۱۱۶۳ روایت، اشاره نموده که در مورد فضائل ولی عصر (عج) می باشد.

منتبع مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب خود «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة» بیش از صد آیه از آیات مفسر به وجود حضرت امام عصر(عج) را جمع آوری نموده است.

مرحوم علامه مجلسی حدود شصت آیه از آیات مفسر به آن حضرت را بیان کرده است.<sup>۱</sup>

نکته‌ای که قابل ذکر است، اینکه آیات قرآن معانی مختلفی دارد، معنی نخستین و ظاهر آن ممکن است درباره یک مسأله خاص و یا گروه معینی باشد، اما معنای دوم آن یک معنای عام و مجرد از زمان و گروه معین است که آنرا اصطلاحاً «بطن آیه» گویند.

در این مختصر بناداریم به توفیق حضرت حق، به چند نمونه از آیات که تفسیر و تأویل آنها وجود مقدس امام زمان(عج) و حکومت جهانی آن حضرت است، اشاره نموده، آراء و نظرات ائمه اطهار(ع) را که مفسرین واقعی قرآن مجید هستند بیان داریم.

### جامعه جهانی اسلامی:

بر حسب عقیده عموم مسلمین و تصریح آیات شریفه قرآن کریم و احادیث مبارکه، دعوت و رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد(ص) یک دعوت خصوصی و رسالت منطقه‌ای و اقلیمی خاص که هدف آن فقط اصلاح یک مجتمع و هدایت یک قوم و ملت و رهبری حکومت یک ناحیه باشد نبوده است و قوانین اسلام و احکام نورانی قرآن مجید، نظام یک

۱. بحار الانوار جلد ۵۱ - چاپ جدید، جلد ۱۳ چاپ قدیم.

جامعه و برنامه مردم یک کشور و وطن و یک نژاد نیست. بلکه دعوت پیامبر اسلام دعوتی جهانی و قوانین آن برای کلیه طبقات و اصناف بشر است. در سابق فکر تشکیل جامعه جهانی ناممکن و قابل طرح نبود و شاید آیات بی شماری از قرآن که خبر از حکومت جهانی می داد برای مردم نامفهوم بود، ولی امروز که جهان به سوی صنعتی شدن پیش می رود و با اختراعاتی همچون، تلگراف و تلفن، رادیو، تلویزیون کامپیوتر، و ماهواره و صدها وسیله دیگر، اهل عالم را مثل یک محله و خانواده قرار داده است، زمینه تشکیل یک حکومت جهانی در سایه تعالیم مترقی و جامع اسلام را نیز فراهم کرده است. و هر چه علم و صنعت پیش برود زمینه اجرای احکام عالی اسلام نیز آماده تر و بشارتهای اولیای دین به وقوع نزدیکتر می شود.

به تدریج قدرتهای محلی و فردی در دنیا رو به ضعف گذارده و عموم ملل، بطور مستقیم یا غیر مستقیم در تعیین سرنوشت دنیا دخالت می نمایند و نظامات و قوانین منطقه ای از بین می رود و یگانه نظامی که می تواند جایگزین تمام این نظامات شود و همه را به طور عادلانه اداره نماید نظام اسلام ناب و حقیقی است که در تعالیم پیامبر اکرم (ص) و ائمه هدی (علیهم السلام) بدان اشاره شده. پس عالم خود به خود و به طور طبیعی به سوی هدفهای اسلام گام بر می دارد و این اختلاف نظامات قوانین، سیستم های اجتماعی و سیاسی را پشت سر می گذارد و یک تفاهم عمومی اسلامی به وجود خواهد آمد و ظلم و ستم، و تجاوز و افراط و تفریط پایان

خواهد یافت.

اسلام حدود چهارده قرن پیش، یعنی آغاز بعثت نبی معظم اسلام، حضرت خاتم الانبیاء (ص)، این آینده درخشان را برای دنیای بشری پیش بینی کرده و صریحاً در آیات و روایات وعده قطعی داده است و بشر را به انتظار چنین روز و عصری که همه تحت لوای پرچم اسلام در آیند و اهل یک دین و ملت و حکومت شوند گذارده و به ظهور آن رهبر عالی قدری که جهان آینده را باید اداره نماید و عالم را پر از عدل و داد کند بشارت داده و او را به همگان معرفی نموده است.

همه امت منتظر هستند که شایسته ترین فرزندان پیامبر قیام کرده، دین اسلام و رسم برادری و برابری و مساوات اسلامی را زنده نماید و موجبات تفرقه و جدایی را از میان بردارد.

این امید و آرزوی امت، برخاسته از وعده الهی و تخلف ناپذیری است که دنیا به طرف آن عصر در حرکت است.

ایمان به ظهور حضرت مهدی (عج) و جهانی شدن دین مبین اسلام و غلبه آن بر همه ادیان، استناد به آیات متعددی از قرآن کریم و روایات متواتر دارد که هر مسلمان معتقد باید به این وعده الهی ایمان راسخ و قوی داشته باشد. ...

## وعده حکومت جهانی

خداوند کریم در قرآن مجید در آیات متعددی تشکیل یک حکومت جهانی، بسط دین اسلام و غلبه آن بر کلیه ادیان و زمامداری صلحاء را وعده فرموده است که به چند نمونه از آن آیات اشاره می شود:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ  
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد، هر چند مشرکین نخواهند.

آیه فوق که عیناً و با همین الفاظ در دو سوره مبارکه صف و توبه آمده است با تفاوت مختصری در سوره مبارکه فتح تکرار شده، یقیناً خبر از واقعه مهمی می دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است، خبر از جهانی شدن اسلام و عالم گیر گشتن این آئین.

با توجه به اینکه در آیه هیچگونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است، دلیلی ندارد که معنی ایه را محدود به زمان پیامبر (ص) بدانیم. مفهوم آیه مبارکه پیروزی همه جانبه اسلام است بر همه ادیان و اینکه سرانجام اسلام و اسلامیان همه جهان را مسخر خواهند نمود.

طبق دلالت نصوص و روایات مختلف، غلبه بر همه ادیان زمانی خواهد بود که منجی بشریت حضرت مهدی (عج) ظهور نماید و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد.

در اینکه اسلام چگونه بر همه ادیان پیروز می گردد و این پیروزی به چه شکل خواهد بود در میان مفسران نظرات مختلفی وجود دارد.

بعضی این پیروزی را پیروزی منطقی و استدلالی دانسته اند و قائل هستند این پیروزی حاصل گشته است زیرا اسلام از نظر منطق و استدلال قابل مقایسه با آئینهای موجود در جامعه بشری نیست.

گروهی دیگر از مفسرین قائل هستند جمله ( لِيُظْهِرَهُ عَلِي الدِّينَ ..... ) بیشتر به معنی غلبه جسمانی و قدرت ظاهری آمده است.

و مطابق قاعده این است که پیروزی و غلبه مورد اشاره قرآن را، غلبه همه جانبه بدانیم، زیرا با مفهوم آیه که از هر نظر مطلق است نیز سازگارتر می باشد.

با توجه به مطالب فوق، می توان آیه را چنین تفسیر و معنا کرد:

روزی فرا می رسد که اسلام هم از جهت منطق و استدلال و هم از جهت نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان جهان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.

موحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان از امام باقر (ع) در مورد تفسیر این آیه شریفه نقل می کند:

إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبًا

بِمُحَمَّدٍ (ص)

وَعَدَهُ أَيَّ كَمَا خَدَّوْنَدُ دَرِ آيَةِ دَادَهٗ اِسْتَبَهٗ هِنْكَامُ خُرُوجِ مَهْدِي (عج) اَز

آلِ مُحَمَّدٍ (ص) صَوْرَتِ مِي پَذِيرَدُ دَرِ اَن رُوزِ هِيچْكَسِ رُويِ زَمِينِ

نَخَوَاهَدُ بُوَدِ مَگرِ اَيْنَكِهٗ اَقْرَارَ بَهٗ حَقَانِيْتِ مُحَمَّدٍ (ص) مِي كَنْدُ.<sup>۱</sup>

و نيز در همان تفسير از پيامبر اسلام (ص) چنين نقل شده كه فرمودند:

لَا يَبْقَى عَلَي ظَهْرِ الْاَرْضِ بَيْتٌ ... اِلَّا اَدْخَلَهُ اللهُ كَلِمَةَ

الاسلام.

پيامبر (ص) مِي فرمايد:

بَرِ رُويِ صَفْحَةِ زَمِينِ هِيچْ خَانِهٗ اِي بَاقِي نَمِي مَانَدُ ... مَگرِ اَيْنَكِهٗ

خَدَّوْنَدُ نَامِ اِسْلَامِ رَا دَرِ اَن وَارَدِ كَنْدُ.<sup>۲</sup>

از امير المؤمنين علي (ع) روايت شده است كه در مورد تفسير آيه فوق

فرمودند:

اَيَا خَدَّوْنَدُ مَصْدَاقِ اَيْنِ آيَةِ رَا اَكْتُونِ اَشْكَارِ سَاخْتِهٗ اِسْتَبَهٗ؟ هَرْكَزْ، سَوْكَنْدُ

بِهٗ كَسِي كَهٗ جَانِمِ بَهٗ دَسْتِ اَوَسْتِ هِيچْ اَبَادِي نَمِي مَانَدُ مَگرِ اَيْنَكِهٗ دَرِ صَبْحِ

و شَامِ دَرِ اَن شَهَادَتِ بَهٗ وَحْدَانِيْتِ خَدَا وَ رَسَالَتِ رَسُولِ گَرَامِي اِسْلَامِ (ص)

بَدَهْنَدُ.<sup>۳</sup>

ابن عباس در مورد تفسير آيه فوق مِي گويد:

هِيچْ يَهُودِ وَ نَصْرَانِي وَ غَيْرِ مُسْلِمَانِي نَمِي مَانَدُ مَگرِ اَنَكِهٗ بَهٗ اِسْلَامِ

بِگَرُودُ. جَزِيَهٗ بَرِ دَاشْتِهٗ صَلِيْبِ شَكْسْتِهٗ وَ خُوْكِهٗا كَشْتِهٗ مِي شُودُ وَ اَن مَصْدَاقِ

فَرْمُودِهٗ خَدَّوْنَدِ اِسْتَبَهٗ كَهٗ: اِسْلَامِ رَا بَرِ تَمَامِ دِيْنِهٗاِي جِهَانِ بَرْتَرِي دَهْدُ هَرِ

۱ . تفسير مجمع البيان، جلد دوم.

۲ . تفسير مجمع البيان، جلد دوم.

۳ . محجة بحراني، ص ۸۶

چند کافران ناخشنود و مخالف باشند و این امر در زمان قیام قائم (عج) پدید می آید.<sup>۱</sup>

ابا بصیر گوید: از امام صادق درباره این آیه سؤال کردم، امام فرمودند: سوگند به خدا هنوز تفسیر این آیه محقق نشده است، عرض کردم: فدایت شوم، پس چه زمانی محقق می شود؟  
حضرت فرمودند:

وقتی با اراده خداوند قائم قیام کند، و چون آن حضرت ظهور نماید کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگرانند، زیرا اگر کافر و یا مشرکی در پشت صخره ای نهان شده باشد، آن صخره به صدا در آید و می گوید:

ای مسلمان، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است...<sup>۲</sup>

مرحوم علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان می فرماید:

نظیر این روایت ابی المقدم از ابی جعفر (ع) و نیز سماعه از امام صادق (ع) نقل کرده اند و همچنین طبرسی مثل آن را از ابی جعفر (ع) روایت کرده است. ایشان در ادامه می فرماید:

در تفسیر قمی نیز آمده است که این آیه درباره قیام قائم آل محمد (ص) نازل شده است.<sup>۳</sup>

از امام باقر (ع) در مورد آیه شریفه منقول است که فرمود:

۱. محجة بحرانی، ص ۸۷

۲. محجة بحرانی، ص ۸۶

۳. تفسیر المیزان، جلد ۷ ص ۱۰۰



قائم به سبب پیدایش ترس ( در دل دشمنان ) پیروز می گردد و به یاری شدن از ناحیه خدا تائید می گردد و زمین برای او پیموده می شود، گنج های زمین برایش آشکار می گردد، فرمانروائی شرق و غرب جهان را در اختیار می گیرد و خداوند دین خود را بوسیله او بر تمام مکاتب و ادیان جهان پیروز می گرداند هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند...<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) نقل می کند، درباره این آیه از پدرم امام باقر (ع) سؤال کردند، آن حضرت فرمودند:

تفسیر این آیه هنوز محقق نشده است، چنانچه قائم قیام کند کسانی که او را درک کنند چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین حضرت محمد (ص) مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند، همچنانکه خداوند در این آیه می فرماید: « اوست خدائی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد.»<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۹۱

۲. تفسیر عیاشی، ص ۸۸

«وراثت زمین»

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا  
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

ما در زبور داوود نوشتیم ( و در کتب انبیاء سلف وعده دادیم )  
که البته بندگان نیکو کار من ملک زمین را وارث و متصرف  
خواهند شد.<sup>۱</sup>

موضوع مورد بحث در آیه شریفه فراز آخر آیه شریفه است که خداوند  
میفرماید: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون» «البته بندگان نیکوکار من  
ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد».

مرحوم علامه طباطبایی (ره) صاحب تفسیر المیزان می فرماید: مراد از  
وراثت زمین انتقال منافع آن و استقرار برکات زمین برای صالحان است و  
این برکات پایان ناپذیر شامل برکات مادی و معنوی می شود.<sup>۲</sup> با توجه به  
مطالب فوق مفاد آیه شریفه می شود به زودی زمین از لوث شرک و گناه  
پاک گشته، و افراد و جامعه ای که خدای را بندگانگی کنند و به وی شرک  
نورزند در آن زندگی می کنند.

دین اسلام دعوتش ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و  
چنانچه از اعتقادات و تعالیم اخلاقی، قوانین حقوقی و کیفری، آداب

۱ . سوره انبیاء، آیه ۱۰۴ جزء ۱۷

۲ . تفسیر المیزان، ج ۱۴ ص ۳۳۰

کشورداری و حکومت و کلیه احکام و وظائفی که راجع به تمام اصناف و جامعه مقرر نموده معلوم می‌شود که هدفش متحد کردن جماعات و ملت‌ها، برداشتن دیوار امتیازات و اعتبارات لغو و بی‌اساس و برقرار کردن کلمه مبارک توحید است و همکاری ارزشمند بین همه انسانها و برابری و برادری آنها که ریشه آن کلمه توحید و ایمان و عقیده به خداوند یکتا است. اسلام ناب محمدی (ص) مخالف همه اختلافات و جدائیهای است که به نام‌های مختلف در میان جوامع بشری پدید آمده است.

اسلام برای بشر، رسیدن به یک اتحاد تمام عیار را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریح است مقدمات آنرا فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به فراهم شدن پذیرش اجتماعی بشری نموده است. بشر برای رسیدن به اتحاد واقعی و آسایش بخش به وجود قوانین عادلانه، تعالیم اجتماعی، نظامات جزائی و حقوقی، برنامه‌های وسیع و تعلیم و تربیتی که از آرایش اغراض شیطانی پاک باشد نیاز دارد.

با مراجعه به احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی آن یعنی قرآن در می‌یابیم، تنها دین اسلام به حدّ اعلاء، این جهات را تامین و تضمین نموده است.

برای اداره چنین حکومتی که بر پایه عدل استقرار دارد و خواسته هر انسان عاقل و شریفی است، وجود یک رهبر عالی مقام روحانی لازم است، رهبری پاک و منزّه از احساسات حیوانی مانند خشم، شهوت، کبر، غرور، و خود خواهی، رهبری که فقط وابسته به خدا باشد و به همه ملت‌ها و

جمعیتها نژادها با چشم مهربانی و تساوی و برابری کامل نگاه کند.  
 آری ما معتقدیم که سرانجام جهان در دست صالح ترین افراد بشر قرار  
 خواهد گرفت و بشریت از گزند ظلم و ستم جباران نجات می یابد...  
 انشاءالله

عده ای از مفسرین در مورد تفسیر آیه ذکر شده قائلند، این وراثت که  
 آیه می فرماید اختصاص به دوره ظهور و حکومت ولی عصر(عج) که رسول  
 خدا(ص) و ائمه اطهار(علیهم السلام) در اخبار متواتره از آن خبر داده و  
 شیعه و سنی آن خبرها را نقل نموده اند می باشد.  
 مرحوم طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان ذیل آیه مبارکه از امام  
 باقر(ع) روایت می کند:

«هم اصحاب المهدی فی آخر الزمان»

«بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد  
 می کند یاران مهدی(عج) در آخر الزمان هستند.»  
 در تفسیر قمی نیز ذیل آیه مبارکه چنین آمده است:  
 منظور از اینکه زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی  
 قائم(عج) و یاران او هستند.

نکته ای که در آیه فوق قابل توجه است و مدعای ما را «اعتقاد به  
 مهدویت در همه ادیان» که در مقدمه کتاب بیان داشتیم ثابت می کند این  
 است که در صدر آیه شریفه خداوند می فرماید: «ما در زبور داوود و کتب  
 انبیاء سلف وعده دادیم...»

با توجه به بیان آیه فوق و آیات مشابه دیگر، معتقدین به ادیان الهی در اصل انتظار ظهور یک شخصیت روحانی برای اصلاح جهان و خاتمه دادن به ظلم و جنگ و فساد و نجات مظلومین در آخر الزمان، با مسلمین متفقند و بشارتهایی در کتب آنها داده شده است.

## وعدۀ الهی

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ  
لَيَسْخَلَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...

خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می دهند  
وعدۀ داده است که حکومت روی زمین را در اختیار شان  
بگذارد.

از آیه چنین استنباط می شود که خداوند به گروهی از انسانها که دارای  
صفات «ایمان» و «عمل صالح» باشند، وعدۀ حکومت روی زمین و نشر  
أئین حق به طور اساسی در میان همه جوامع بشری را داده است.  
گروهی از مفسرین وعدۀ الهی به تحقق حکومت جهانی که در آیه  
بدان اشاره شده است را حکومت حضرت مهدی (عج) می دانند که شرق و  
غرب جهان در زیر لوای حکومتش قرار می گیرد، و پیامبر (ص) نیز به  
ظهور آن حضرت خبر داده است که به وسیله او حق و عدالت در همه جا  
نفوذ پیدا می کند.

قال رسول الله (ص):

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضَ ظُلْمًا وَعُدُوَانًا ثُمَّ  
يَخْرُجُ مِنْ عِثْرَتِي مَنْ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا

پیامبر فرمود: قیامت بر پا نمی شود تا اینکه زمین از دشمنی و ظلم پر

شود که در این هنگام فردی از سلاله من ظهور می کند و آن را از عدل و داد پر می کند.

قابل ذکر است که روایت فوق توسط علماء اهل سنت نیز بیان گردیده است.

مرحوم طبرسی صاحب تفسیر شریف مجمع البیان ذیل آیه مورد بحث می فرماید: از اهل بیت پیامبر (ص) این حدیث نقل شده است، «انها فی المهدي من آل محمد (ص)» این آیه شریفه درباره مهدی آل محمد (ص) می باشد.

در تفسیر «روح المعانی» و بسیاری از تفاسیر شیعه از امام سجاد زین العابدین (ع) نقل شده است که در مورد تفسیر آیه شریفه فوق فرمودند:

هُمْ وَاللَّهِ شِيعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، يَفْعُلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدِي رَجُلٍ مِنَّا، وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا، وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا الْيَوْمُ....

حضرت فرمودند: آنها بخدا سوگند شیعیان ما هستند، خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از خاندان ما انجام میدهد که «مهدی» این امت است، زمین را پر از عدل و داد میکند آنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و هم اوست که پیامبر (ص) در حق وی فرموده است: اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند همان یک روز را خداوند طولانی میکند تا اینکه مردی از خاندان من در آن برانگیخته شود.<sup>۳</sup>

«قرطبی» مفسر معروف اهل تسنن در مورد آیه فوق

۱. ینابیع الموده، ص ۴۳۳

۳. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۸

۲. تفسیر نمونه، جلد ۷ ص ۳۸۷

می گوید، از «مقداد بن اسود» چنین نقل شده است، از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود:

مَا عَلَى الْأَرْضِ بَيْتٌ حَجَرٌ وَلَا مَدْرٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةً  
الاسلام

بر روی زمین خانه ای از سنگ و یا گل باقی نمی ماند مگر اینکه اسلام در آن وارد شود.<sup>۱</sup>

ابو بصیر گوید از امام صادق(ع) در معنی فرمایش خداوند تعالی که می فرماید: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ....

« خداوند، به کسانی که از شما ایمان آورده و کردار شایسته انجام دهند وعده فرموده است که آنانرا خلافت در روی زمین بخشد...» سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمودند:

این آیه درباره حضرت قائم و یاران او نازل شده است.<sup>۲</sup>

۱ . تفسیر قرطبی، جلد ۷ ص ۴۲۹ و تفسیر نمونه، جلد ۷ ص ۳۸۸

۲ . غیبت لغمانی، ص ۳۸۴



## پیروزی نور بر ظلمت

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُشْرِئُ نُورِهِ  
وَاللَّهُ كَافِرُونَ

کافران می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش بسازند،  
ولی خداوند نور خود را کامل می کند هر چند کافران خوش  
نداشته باشند.

تاریخ پر افتخار دین مبین اسلام شاهد و سند زنده و گویائی است برای  
تحقق این خبر غیبی بزرگ قرآن، چرا که از نخستین روزی که پیامبر  
گرامی اسلام (ص) به نبوت مبعوث و دعوت خود را به آئین مقدس اسلام  
شروع نمود و در مکه ندای توحید و خدا پرستی را سر داد توطئه های  
گوناگون مشرکین برای نابودی این ندای آسمانی و نجات بخش آغاز  
گردید.

مشرکین به طرق مختلف اعم از آزار و اذیت، محاصره اقتصادی، تبعید  
خدا پرستان، تحمیل جنگهای مختلف، توطئه های منافقین داخلی و  
هزاران طریق مختلف... بنای مبارزه و مخالفت با این ندای توحیدی را  
دستور و سر لوحه کار خود قرار دادند.

ولی همانگونه که خداوند اراده فرموده، روز به روز بر قدرت دین مبین

اسلام و نورانیت او افزود، و مکتب نورانی اسلام در سرزمینهای مختلف نفوذ کرد و مردم ستمدیده شیفته این آئین شدند.

آری دشمنان این دین پیوسته خواهان کم فروغی و خاموشی نور توحید و خدا پرستی بوده و خواهند بود، ولی خداوند اراده دیگری دارد.

این آیه به همه عدالتخواهان بشارت می دهد که نور الهی جاودان است و روزی این نور به سرتاسر عالم خواهد تابید، نکته قابل توجه اینکه خداوند در آیه بعد می فرماید؛ دین حق بر همه ادیان غلبه خواهد کرد هر چند مشرکان نخواهند.

به اعتقاد گروهی از مفسرین و شهادت روایات مختلف که از لسان ائمه معصومین (ع) صادر شده است مرحله نهایی این پیروزی و غلبه نور بر ظلمت و عدالت به ستم، با ظهور ولی عصر (عج) تحقق می یابد.

محمد بن فضیل نقل می کند از امام موسی بن جعفر (ع) در مورد جمله «وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ» در آیه شریفه سؤال شد آن حضرت در پاسخ فرمودند:

تفسیر آیه فوق این است که:

خداوند نور خود را با ولایت قائم آل محمد (ص) تمام می کند، «وَلِو

كْرِه الْكَافِرُونَ» هر چند دشمنان این را نخواهند.

مرحوم علامه مجلسی در مورد آیه فوق می گوید، کافران می خواهند با

۱. سوره صف، آیه ۹ جزء ۲۸

۲. بحار الانوار، جلد ۵۱

دهانشان نور خدا را خاموش کنند، ولی خداوند نور خود را به ظهور قائم آل محمد (ص) تمام می کند و او را به همه مذاهب غلبه می دهد، بطوریکه جز خداوند یکتا احدی پرستش نشود و این است معنی «يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجوراً»<sup>۱</sup>.

## نابودی فتنه و فساد

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلِمَةً لِلَّهِ

با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فسادى نماند و آیین همه دین خدا گردد.<sup>۱</sup>

آیه دیگری که در آن از تشکیل حکومت جهانی و بسط و غلبه دین اسلام بر همه ادیان و زمامداری صلحاء سخن به میان آمده است و بدان بشارت داده شده آیه فوق می باشد.

در تفاسیر اهل سنت مانند تفسیر آلوسی (روح البیان) و تفاسیر مختلف شیعه از امام صادق (ع) چنین نقل شده است که فرمودند:

تأویل تفسیر نهائی این آیه هنوز فرا نرسیده است، هنگامی که قائم ما قیام کند کسانی که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید. به خدا سوگند که در آن موقع دین محمد (ص) به تمام نقاطی که شب پوشش آرام بخش خود را بر آن می افکند خواهد رسید تا در سراسر روی زمین مشرک و بت پرستی باقی نماند.<sup>۲</sup>

۱. سوره انفال، آیه ۳۹ جزء ۹

۲. تفسیر نمونه، جلد ۷ ص ۱۶۷

## طلوع حق

قَدْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

بگو حق آمد و باطل از میان رفت، بدرستی که باطل رفتنی است.<sup>۱</sup>

در آیه مذکور به یک اصل کلی و اساسی دیگر و یک سنت جاودان الهی برخورد می کنیم که مایه دلگرمی همه پیروان حق است و آن اینکه سرانجام حق پیروز است و باطل به طور قطع نابود شدنی است، باطل صولت و دولتی ندارد، عمرش کوتاه، و سرانجام به دره نیستی سقوط میکند.

دلیل این موضوع در باطن کلمه باطل نهفته شده، زیرا باطل چیزی است که با قوانین عالم آفرینش هماهنگ نیست و سهمی از واقعیت و حقیقت ندارد.

و مسلماً چیزی که هماهنگ با قوانین آفرینش نباشد نمی تواند برای مدتی طولانی باقی بماند.

اما حق عین واقعیت است، توأم با درستی و راستی و دارای عمق و ریشه و هماهنگ با قوانین خلقت است و چنین چیزی باید باقی بماند.

آنان که پیرو حق اند به سلاح ایمان و عمل صالح و منطق و صدق و فداکاری مسلح و آماده برای جانبازی و ایثار تا سر حد شهادتند و به غیر

خدا نیز به احدی متکی نیستند، و همین اوصاف است رمز پیروزی آنها بر باطل.

در بعضی از روایات شریفه و تفاسیر مبارکه جمله «**جاء الحق...**» در آیه شریفه به قیام حضرت مهدی(عج) تفسیر شده است.

امام باقر(ع) می فرمایند: مفهوم این سخن الهی این است که

«**إذا قام القائم ذهب دولة الباطل**»،

«**هنگامیکه امام قائم(عج) قیام کند دولت باطل برچیده**

می شود».<sup>۱</sup>

و در روایت دیگری آمده است: هنگامیکه حضرت مهدی(عج) متولد

شد، بر بازوی مبارکش این جمله نقش بسته بود.

«**جاء الحق و ذهب الباطل إن الباطل كان زهوقا**».<sup>۲</sup>

به تحقیق، قیام مهدی(عج) از روشن ترین مصداقهای آیه مبارکه است

که نتیجه اش، پیروزی نهائی حق بر باطل در سراسر جهان می باشد.

۱. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم ص ۲۱۲

۲. تفسیر نورالثقلین، جلد سوم ص ۲۱۳

## پیروزی لشکر حق

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۱۷۱ اِنَّهُمْ لَكَاٰمِرُونَ  
 الْمَنْصُورُونَ ۱۷۲ وَاِنْ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ۱۷۳

وعده قطعی ما برای بندگان مرسل ما از قبل مسلم شده، که آنها یاری می‌شوند، و لشکر ما (در تمام صحنه‌ها) پیروزند.

پیروزی لشکر حق بر باطل و غلبه جندالله و یاری خداوند نسبت به بندگان مرسل و مخلص از وعده‌های مسلم او و از سنتهای قطعی است که در آیات فوق به عنوان یک وعده و سنت (لقد سبقت کلماتنا) بیان شده است.

نکته ای که قابل تامل است، همانطور که در آیات قبل هم بیان شد، خداوند، وعده داده است پیامبران و صالحین را بر مشرکین غالب سازد، و آنها را یاری رساند.

معلوم است که این نصرت و غلبه، فقط نصرت در عالم آخرت نیست، زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: (في الحياة الدنيا). این نصرت و غلبه در دنیا می‌باشد.<sup>۱</sup>

منظور، نصرت و پیروزی انبیاء بر مشرکین در زمان خود انبیاء هم یقیناً نمی‌باشد، زیرا دعوت بسیاری از انبیاء در قومشان اثر نبخشید و بلکه

۱. سوره صافات، آیات ۱۷۳ الی ۱۷۱ جزء ۲۳

۲. سوره غافر، آیه ۵۱

بسیاری از آنها در این راه به شهادت رسیدند. تحقیقاً این پیروزی و غلبه وعده داده شده، همان پیروزی مقصد و هدف انبیاء الهی است که جهت آن مبعوث شده اند، اخبار متواتره و اجماع علماء نشان می دهد، نصرت و غلبه زمانی محقق خواهد شد که ولی عصر(عج) قیام کند و اهداف انبیاء را جامه عمل بپوشاند.

جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند پیامبر(ص) فرمودند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي إِسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنِيَّتُهُ كُنِيَّتِي، أَشْبَهُ  
النَّاسَ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا، تَكُنُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ  
الْأَمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ كَالشَّهَابِ النَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا  
كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا.

مهدی از اولاد من است، نامش نام من و کنیه اش کنیه من می باشد. صورت و سیرتش از همه کس به من شبیه تر می باشد، غیبتی کند که مردم دچار حیرت گردند و بسیاری از مردم گمراه شوند، نگاه مانند ستاره تابانی از پشت پرده غیبت بدر آید و زمین را پر از عدل و داد کند آن چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد.



## اراده خداوند

و تَرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ

تَجْعَلُهُمُ أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

ما اراده کرده ایم که بر مستضعفین منت نهاده و آنها را پیشوایان خلق قرار داده و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.

آیه فوق امید دهنده به همه انسانهای آزاده عالم است، چون وعده خداوند و اراده حضرت حق به صورت یک قانون کلی و در شکل فعل مضارع و مستمر بیان شده است، تا اینکه کسی تصور نکند این وعده اختصاص به مستضعفان زمانهای گذشته از جمله بنی اسرائیل داشته. در تفسیر نمونه ذیل آیه مورد نظر آمده است، در این آیه خداوند پرده از روی اراده و مشیت خود در مورد مستضعفان برداشته و چند امر را در این زمینه بیان می کند که با هم پیوند و ارتباط نزدیک دارند. ( که به چهار امر آن اشاره می شود)

۱- اینکه ما می خواهیم آنها را مشمول نعمتهای خود کنیم. (و نرید ان

نمن ...)

۲- اینکه ما می خواهیم آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم. (نجعلهم

ائمه...)

۳- اینکه ما می خواهیم آنها را وارثان حکومت جباران قرار دهیم.  
(ونجعلهم الوارثین...)

۴- اینکه ما حکومت قوی و پا بر جا به آنها می دهیم. (و نمکن لهم فی الارض...)

با تصور موضوعات ذکر شده، می توان نمونه گسترده و بارز اراده حضرت حق تعالی را ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله حضرت مهدی (اورا حنا له الفداء) دانست.

امیر المومنین علی (ع) در مورد این آیه در نهج البلاغه می فرمایند:

لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَظْفَ الضَّرْوَسِ عَلَى  
وَلَدِهَا، وَتَلِي عَقِيبَ ذَلِكَ؛ وَ تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ ...  
دنیا پس از چموشی و سرکشی همچون شبرها که از دادن شتری به  
دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما  
روی می آورد... سپس آیه شریفه (و تُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ...)) را تلاوت  
فرمودند.

در حدیث دیگری از همان بزرگوار نقل شده است که در تفسیر آیه فوق  
فرمودند:

هُمْ آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جِهَادِهِمْ، فَيُعْزِهِمْ وَ  
يَذِلُّ عَدُوَّهُمْ.

این گروه آل محمد (ص) هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد و به آنها عزت می دهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند.<sup>۱</sup>

در روایت دیگری از امام زین العابدین (ع) آمده است.

و الذی بعث محمداً بالحق بشيراً و نذيراً، ان الابرار منا اهل البيت و شیعتهم بمنزلة موسی و شیعته، و ان عدونا و اشیاعهم بمنزلة فرعون و اشیاعه.

سوگند به کسی که محمد (ص) را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد، که نیکان ما اهل بیت و پیروان آنها به منزله موسی و پیروان او هستند، و دشمنان ما و پیروان آنها به منزله فرعون و پیروان او می باشند، سر انجام ما پیروز می شویم و آنها نابود و حکومت حق و عدالت از آن ما خواهد بود.<sup>۲</sup>

در میان عده ای از علماء و دانشمندان و روایات زیادی مشهور است که ولی عصر (عج) در بدو تولد آیه شریفه مورد بحث را تلاوت فرموده اند.

از جمله این اخبار روایتی است که، فاضل قندوزی<sup>۳</sup> از علمای اهل سنت، شیخ طوسی<sup>۴</sup> و مرحوم شیخ صدوق<sup>۵</sup> نقل نموده اند.

مرحوم صدوق با سند صحیح و معتبر از جناب موسی بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر علیهما السلام، از حضرت حکیمه خاتون (س) دختر والامقام امام محمد تقی (ع) که از بانوان با عظمت و با

۱. غیبت شیخ طوسی، ج ۹۴ ص ۱۱۰

۲. تفسیر مجمع البیان، ذیل آیه مورد بحث.

۳. ینابیع الموده، ص ۴۴۹

۴. کتاب غیبت شیخ طوسی.

۵. کمال الدین، ص ۴۲۵

فضیلت خاندان رسالت است، نقل کرده است.

حکیمه خاتون می فرماید:

منزل امام حسن عسکری(ع) بودم که ایشان به من فرمود: عمه امشب در نزد ما افطار کن، که شب نیمه شعبان است و خداوند بنا است حجت خود را در این شب ظاهر فرماید.

من عرض کردم: مادرش کیست؟ حضرت فرمود: نرجس

گفتم: فدایت شوم، به خدا سوگند در او اثری از حمل نمی بینم.

فرمود: همین است که برای تو می گویم.

حکیمه خاتون، می گوید: نرجس آمد کفش از پای من در آورد و گفت: ای بانوی من شب بخیر!

در جواب به او گفتم: بانوی من و خاندان من توئی! گفت: نه! من کجا و این مقام بزرگ؟

گفتم: دختر جان! امشب خداوند پسری به تو موهبت می کند که سرور دو جهان خواهد بود، چون این سخن را شنید با کمال حجب و حیا نشست. سپس نماز عشاء را گزاردم و افطار کردم، و خوابیدم سحرگاه برای اداء نماز شب برخاستم، بعد از نماز دیدم نرجس آرام خوابیده و از وضع حمل او خبری نیست، پس از تعقیب نماز دوباره خوابیدم و بعد از لحظه ای با اضطراب بیدار شدم، دیدم نرجس خوابیده است.

در آن حال درباره وعده امام عسکری(ع) تردید کردم، که ناگهان از

جائیکه امام تشریف داشتند، با صدای بلند مرا صدا زده فرمودند: عمه! تعجب مکن که وعده حق نزدیک است.

چون صدای امام را شنیدم شروع بخواندن سوره «الم سجده» و «یس» نمودم.

در این وقت نرجس با حال اضطراب از خواب برخاست، من به وی نزدیک شدم و نام خدا را بر زبان جاری کردم و پرسیدم: آیا احساس چیزی می کنی؟ گفت: آری

گفتم: ناراحت مباش و دل قوی دار، این همان مژده است که به تو داده شده.

حکیمه خاتون گوید: در این هنگام مرا سستی فرا گرفت و او نیز چنین شد، اندکی بعد که به حس آمده و برخاستم دیدم بچه متولد شده و روی زمین با اعضاء هفتگانه<sup>۱</sup> خدا را سجده می کند.

آن ماه پاره را در آغوش گرفتم، دیدم بر عکس نوزادان دیگر از آرایش ولادت پاکیزه است!

در این هنگام امام عسکری (ع) صدا زدند، عمه جان، فرزندم را نزد من بیاور، چون او را نزد پدر بزرگوارش بردم، امام دست زیر رانها و پشت بچه گرفت و پاهای او را به سینه مبارک چسبانید و زبان در دهانش گردانید.... سپس آن مولود مسعود زبان گشود و فرمود:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

۱. اعضاء هفتگانه عبارتند از: دو کف دست، سر دو زانو، دو انگشت بزرگ پاها، و پیشانی که هنگام سجده باید بر زمین گذاشته شوند.

## مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

آنگاه بر امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام درود فرستاد  
و چون بنام مقدس پدر بزرگوارش رسید، دیدگان مبارک را گشود و  
سلام کرد.

در این زمان، امام(ع) فرمودند: عمه جان او را نزد مادرش ببر تا به او  
نیز سلام کند...

حکیمه خاتون گوید: روز هفتم که شد نزد امام عسکری(ع) رفتم و  
سلام نموده و نشستم.

امام فرمودند: عمه پسر من را نزد من بیاور، پس من آقایم را در حالی که  
در پارچه ای بود به نزد آن حضرت بردم، با او مانند روز اول رفتار کرد، پس  
رو به نوزاد نموده فرمودند:

سخن بگو، آن مولود مسعود فرمود:

اشهد ان لا اله الا الله و صلوات بر خاتم انبياء حضرت محمد(ص) و  
امیر المؤمنین و امامان تا پدر بزرگوارش ( صلوات الله عليهم اجمعين )  
فرستاد و این آیه را تلاوت فرمود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ تُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ  
أَسْتَضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.<sup>۱</sup>

## پیروزی پیامبران

كَتَبَ اللَّهُ لِلْأَغْلَبِينَ أَنَا وَمُرْسَلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

خداوند چنین مقرر داشته که من و رسولانم پیروز می شویم،  
چرا که خداوند قوی و شکست ناپذیر است.<sup>۱</sup>

یکی از آیات دیگر که در آن بشارت به پیروزی حق و پیامبران  
عظیم‌الشان داده شده است آیه فوق می‌باشد.

در آیه شریفه تعبیر به « كَتَبَ » « نوشته است » تأکیدی است از جانب  
پروردگار بر قطعی و حتمی بودن این پیروزی و نصرت و جمله « لِلْأَغْلَبِينَ » با  
لام تأکید و نون تأکید ثقیله نشانه مؤکد بودن این پیروزی است، بگونه‌ای  
که جای شک و تردید برای هیچکس نباشد.

تاکنون چند نمونه از آیات شریفه‌ای که وعده پیروزی حق بر باطل و  
حکومت صلحاء بر زمین در آنها داده شده بود متذکر گردیدیم و آیات  
دیگری نیز در این باب موجود است، که این مختصر گنجایش پرداختن به  
آنها را ندارد.

از آیات کریمه ذکر شده چنین مستفاد می‌گردد حتی اگر ما یک روایت  
هم از قول ائمه معصوم (ع) در مورد تفسیر و تأویل آنها نداشتیم، ظواهر  
آیات شریفه بخودی خود، برای اثبات مدعای ما کافی بود.

در صورتیکه همانگونه که بیان شد صدها حدیث فوق حد تواتر، این  
مطلب عظیم الهی و قرآنی را اثبات و تفسیر می‌نماید.

اوصاف امام زمان (عج)، انقلاب و یاران آن حضرت در قرآن  
 قرآن مجید در آیاتی اشاره به اوصاف امام عصر (عج)، انقلاب و یاران  
 آن حضرت دارد که این آیات توسط عالمین و آگاهان به تفسیر و تاویل  
 قرآن یعنی ائمه دین (علیهم السلام) بیان شده است، به چند نمونه اشاره  
 می‌نمائیم.

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَ يَكْشِفُ السُّوءَ  
 يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ

چون گرفتاری او را بخواند، اجابت کند و گرفتاری او را بر  
 طرف سازد و شما را جانشینان این سرزمین کند.<sup>۱</sup>

اگر چه خداوند دعای همه را (هر گاه شرایط اجابت مهیا باشد)  
 مستجاب می‌کند، ولی در آیه فوق روی عنوان « مضطر » تکیه شده است،  
 به این دلیل که، یکی از شرایط اجابت دعا آن است که انسان چشم از عالم  
 اسباب به کلی برگردد و تمام قلب و روحش را متوجه خداوند گرداند، همه  
 چیز را متعلق به او بداند و حل هر مشکلی را به دست او ببیند، و این درک  
 و دید در حال اضطرار دست می‌دهد.

یکی از مصادیق روشن آیه که روایات ما بدان اشاره می‌نمایند، وجود  
 مقدس حضرت مهدی (عج) است در آن زمان که همه جا را فساد گرفته



باشد و بشریت در بن بست سختی قرار گرفته، و حالت اضطرار در کل عالم نمایان است.

آن هنگام وجود نازنینش در مقدس ترین نقطه روی زمین دست به دعا بر می دارد و تقاضای کشف سوء می کند و خداوند استجابت این دعا را سر آغاز انقلاب مقدس جهانی او قرار میدهد و به مصداق «و يجعلكم خلفاء الارض» او و یارانش را خلفای روی زمین قرار میدهد.

در روایتی از امام باقر(ع) می خوانیم که آن حضرت فرمود:

بخدا سوگند گویا من مهدی(ع) را می بینم که پشت به حجرالاسود داده و خدا را بحق خود می خواند....

سپس فرمود: بخدا سوگند مضطر کتاب الله در آیه «أَمَّنْ يُحِيبُ الْمُضْطَرُ...» او است.<sup>۱</sup>

در حدیث دیگری از قول امام صادق(ع) چنین آمده است،

«نزلت في القائم من آل محمد عليهم السلام، هو والله المضطر، اذا صلى في المقام ركعتين و دعا الى الله عز و جل، فاجابة و يكشف السوء و يجعله خليفة في الارض»

این آیه در مورد مهدی آل محمد(ص) نازل شده، بخدا سوگند مضطر او است، هنگامیکه در مقام ابراهیم دو رکعت نماز بجا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر میدارد و دعای او را اجابت می کند، ناراحتی ها را برطرف می سازد و او را خلیفه روی زمین قرار میدهد.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، جلد ۵۱

۲. تفسیر نور الثقلین، جلد ۴ ص ۹۵

## معجزه آسمانی

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمِ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقَهُمْ لَهَا

خَاضِعِينَ

اگر بخواهیم می توانیم از آسمان بر آنها معجزه و علامتی  
فرو فرستیم تا بدان وسیله سر تسلیم فرود آورند و  
گردنهایشان خاضع گردد.

آیه فوق اشاره به این است که خداوند این قدرت را دارد که معجزه  
خیره کننده یا عذاب شدید بر کافران فرو فرستد که همگی بی اختیار سر  
تعظیم در برابر آن فرود آورند و تسلیم شوند.

در کتب معروف مانند «ارشاد مفید»، «روضه کافی» و «کمال الدین  
صدوق»، «تفسیر قمی» ... آمده است که امام صادق(ع) در تفسیر این آیه  
شریفه فرمود؛ منظور آیه طغیانگران هستند که به هنگام قیام مهدی(عج)  
آیه آسمانی می بینند و در برابر آن ناچار تسلیم می شوند.

یکی از علائم حتمیه که برای ظهور امام زمان در روایات بیان شده  
است، ندای آسمانی است که اهل جهان همه و به هر زبان و نژادی آنرا  
می شنوند. صدائی است قوی و نافذ از آسمان، خفته را بیدار و نشسته را بر  
پا می دارد. مردم از شنیدن این ندای آسمانی هراسان شده و از

خانه‌هایشان بیرون می آیند! آن ندا مردم را به دوری از ظلم و گناه و خونریزی و به پیروی از ولی عصر (عج) دعوت می کند.

در روایات بیان شده است تمام انسانها در برابر این نشانه الهی وعده داده شده، سر تسلیم فرود می آوردند.

عبدالله بن سنان نقل می کند:

خدمت امام صادق (ع) بودم، شنیدم مردی از اهل همدان به امام می گوید، عامه (اهل سنت) ما را نکوهش می کنند و می گویند، شما عقیده دارید که ندا کننده ای از آسمان به اسم (حضرت مهدی) ندا می کند! حضرت در حالیکه ایستاده بود خشمناک گردید و نشست، آنگاه فرمود:

این مطلب را از من روایت نکن، بلکه از پدرم نقل نما، و از این بابت بر شما ایرادی نیست، شهادت می دهم که پدرم میفرمود: سوگند بخدا این مطلب در کتاب خدا آشکار است آنجا که می فرماید:

« اگر بخواهیم می توانیم معجزه ای از آسمان... »

از محمد بن مسلم (یکی از یاران و شاگردان امام صادق (ع)) منقول است که گفت:

منادی از آسمان نام قائم را ندا می کند بگونه ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آنرا می شنود و در اثر آن صدا، خفته بیدار می شود و ایستاده می نشیند و نشسته بیای خیزد، و آن صدای جبرئیل روح الامین است.<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۲۹۶

۲. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۲۹۰

عمر بن حنظله از امام صادق(ع) از علامات قیام قائم پرسید، امام(ع) فرمود: پیش از قیام قائم(عج) پنج نشانه است:

۱- صیحه (فریاد) آسمانی

۲- خروج سفیانی

۳- فرو رفتن سفیانی و لشگر او در زمین

۴- قتل نفس زکیه

۵- قتل یمانی

عمر بن حنظله گوید: در مورد آیه [ ان نشأ تنزل علیهم من السماء ]

سوال کردم که منظور همان صیحه آسمانی است؟

امام(ع) فرمودند: آری هر گاه این صیحه شنیده شود، گردنکشان و

دشمنان خداوند تعالی، خاضع و فرمانبر شوند.<sup>۱</sup>

## ایمان به غیب

## الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ...

پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب ایمان آورده ...

غیب و شهود دو نقطه مقابل یکدیگرند، عالم شهود عالم محسوسات است، و جهان غیب ماوراء حس، زیرا غیب در اصل به معنای چیزی است که پوشیده و پنهان است.

ایمان به غیب نخستین نقطه ای است که خدا جویان و مومنان را از غیر آنها جدا نموده و پیروان ادیان آسمانی را در برابر منکران خدا و وحی و قیامت قرار میدهد و به همین دلیل نخستین ویژگی انسانهای متقی و پرهیزگار ایمان به غیب ذکر شده است.

ادیان آسمانی شرط قبولی اعمال صالح را ایمان به غیب می‌شمارند، و اصولاً دعوت پیغمبران و رهبران آسمانی در نفوسی تاثیر شایسته دارد که احتمال وجود عالم غیب و امور ماوراء این عالم محسوس را بدهند.

ایمان به ظهور ولی عصر حجه ابن الحسن (عج) و مصلح آخر الزمان نیز از جمله مطالب غیبی است که پیامبر اعظم اسلام (ص) از آن خبر داده و تصدیق او واجب است.

صاحب تفسیر نیشابوری در ذیل آیه فوق می گوید:

« قال بعض الشيعة المراد بالغيب المهدي المنتظر الذي وعدا... به في القران ... و ما ورد عن النبي(ص) لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج رجل من اهل بيتي، اسم اسمي و كنية كنيته يملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً

بعضی از علماء شیعه قائلند مراد از «غیب» در آیه شریفه مهدی منتظر(عج) است که خداوند وعده ظهور و قیام او را در قرآن داده است... و از پیامبر اسلام نیز روایت شده است که فرمود: حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی نماند، همانا خداوند آن روز را طولانی گرداند تا اینکه مردی از خاندان من بر انگیزته شود که اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است، او با قیام خود زمین را از عدل و داد پر کند همانگونه از ظلم و جور پر شده بود.<sup>۱</sup>

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید:

در کتاب معانی الاخبار از امام صادق(ع) روایت شده است، در مورد آیه

فوق فرمودند:

«الذین یؤمنون بالغیب»

یعنی کسیکه ایمان به قیام قائم(عج) داشته باشد و آنرا حق بداند.<sup>۲</sup>

۱. المهدي، نوشته مرحوم آیت الله سید صدر الدین صدر، ص ۱۳

۲. تفسیر المیزان، جلد یک ص ۴۴

## یاران نیرومند

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ

بندگان از خود را که دارای قوت و نیرومندی شگرفی  
هستند بطرف شما می فرستیم.<sup>۱</sup>

در تفسیر نور الثقلین پیرامون تفسیر آیه شریفه از امام صادق (ع) نقل  
شده است که فرمود:

آنان کسانی هستند که خداوند تبارک و تعالی قبل از ظهور قائم (عج)  
آنها را بر می انگیزد و آنان دشمنی، از آل پیامبر (ص) را فرا نمی خوانند  
مگر اینکه او را بقتل می رسانند.

عیاشی در تفسیر خود از امام باقر (ع) روایت کرده است، حضرت آیه  
فوق را قرائت کردند و فرمودند:

او قائم (عج) و یاران او هستند که دارای قوت و نیروی زیاد میباشند.  
در روایت دیگری منقول است که، امام صادق (ع) آیه شریفه فوق را  
قرائت کردند، عرض کردیم فدایت شویم اینها چه کسانی هستند؟  
حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمودند: به خدا سوگند آنان اهل شهر قم  
هستند.<sup>۲</sup>

شایسته است به چند امر پیرامون یاران خاص امام مهدی (عج) توجه

۱. سوره اسراء، آیه ۵ جزء ۱۵  
۲. بحار الانوار، جلد ۶۰ ص ۲۱۶

داشته باشیم. از آن جمله تعداد آنهاست که در منابع شیعه و سنی به عدد یاران پیامبر(ص) در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده تن ذکر شده است. این امر نشانه آن است که شباهت زیادی بین بوجود آمدن اسلام نخستین که بدست پیامبر(ص) جد بزرگوار آن حضرت انجام گرفت و بین تجدید حیات اسلام که توسط حضرت مهدی(عج) انجام می پذیرد، وجود دارد.

بلکه در روایات آمده است، قوانین و موارد آزمایش متعددی را که میان یاران پیامبران گذشته صلوات الله علیهم رایج و جاری بوده بر یاران مهدی(عج) نیز واقع خواهد شد.<sup>۱</sup>

در اخبار آمده است که شمار لشگریان امام(ع) که از مکه خارج می شوند بیش از ده هزار نفر می باشند و شمار لشگری که آن حضرت به همراه آنها به عراق وارد و قدس را آزاد می کنند به بیش از صدها هزار تن می رسد.

یاران امام(عج) از تمام سرزمینهای اسلام و از دورترین کرانه های گیتی و از نقاط پراکنده گردهم می آیند که در میان آنها افراد شایسته مصری و مؤمنان حقیقی شام و افراد نیکوکار از عراق و مکه و مدینه و مردان ایثارگری از ایران (قم و طالقان) و غیره وجود دارند.<sup>۲</sup>

پاره ای از روایات گویند، در میان یاران امام زمان(عج) گروهی از زنان نیز وجود دارند که مجروحان را مداوا می کنند.<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۳۳۲

۲. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۳۳۴

۳. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۲۲۲



این امر مقام والا و نقش تعیین کننده زنان را در جامعه اسلامی نشان می دهد و به تحقیق جایگاه زن در اسلام و بحث عدالت بین زن و مرد در آن دوران بدرستی محقق خواهد شد.

از روایات مستفاد است، بیشتر یاران امام زمان(عج) را جوانان تشکیل می دهند، امیرمؤمنان علی(ع) می فرماید:

«یاران مهدی جوان هستند و میانسال در میان آنان کم است...»

## ایام الله

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ

وَكَذَكَرْهُمْ يَا أُمَّةَ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

شَكُورٍ

موسی را همراه آیات خود فرستادیم تا قوم خود را از ورطه ظلمانی کفر در آورده به وادی نورانی ایمان رهبری کند، و آنها را به روزهای خداوندی متذکر گرداند که در آن آیاتی است برای هر صبر کننده شکرگزاری.<sup>۱</sup>

شکی نیست در اینکه، مراد به ایام الله در آیه شریفه، ایام مخصوصی است و نسبت دادن ایام مخصوص به خدا با اینکه همه ایام و موجودات متعلق به خداست، حتماً بخاطر حوادثی است که در آن ایام پیش آمد کرده و یا خواهد کرد، و امر حضرت حق را ظاهر می سازد، که در دیگر ایام چنین ظهوری رخ نمی دهد.

پس بطور مسلم مقصود از ایام خدا، آن ظروف و ازمه ای است که امر خدا و آیات وحدانیت و سلطنت او ظاهر شده و یا میشود. در آیه شریفه اضافه «ایام» به «الله» اشاره به روزهای سرنوشت ساز و

مهم زندگی انسانها است که به خاطر عظمتش به نام «الله» اضافه شده است.

در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده «ایام الله» در آیه شریفه به روزهای گوناگونی تفسیر شده است.

در حدیثی از امام باقر (ع) می خوانیم که فرمودند:

ایام الله، یوم یقوم القائم (عج) و یوم الموت و یوم القیامه

ایام الله، عبارتند از: روز قیام مهدی موعود و روز مرگ و روز قیامت<sup>۱</sup>

همچنین در تفسیر علی ابن ابراهیم آمده است، ایام الله سه روز است،

روز قیام مهدی (عج)، روز رجعت و روز قیامت<sup>۲</sup>

به مطلب فوق موحوم علامه طباطبایی (ره) نیز در تفسیر المیزان ذیل

آیه فوق اشاره می کند.

۱. تفسیر نور الثقلین، جلد ۲ ص ۵۲۶

۲. نقل از تفسیر نور الثقلین، جلد ۲ ص ۵۲۶

## نشانه قیامت

وَ اِنَّكُمْ لَعَلِمٌ لِّلسَّاعَةِ

و همانا او نشانه و مقدمه قیامت است.<sup>۱</sup>

هنگامیکه بین دنیا و جهان گسترده غیب که از دید و نگاه ما پنهان است، وحدت و یکپارچگی بوجود آید آنرا قیامت و رستاخیز گویند. نقطه اوج این حرکت نسبت به انسان، مرگ است که از دیدگاه ادیان الهی بخصوص اسلام، مرگ ورود به زندگی جاودانه و پایان ناپذیر است. در قرآن و روایات آمده است این رستاخیز و قیامت دارای مقدمات و نشانه هایی است پی در پی که در جهان و اجتماع بشری رخ می دهد، از برخی روایات استفاده می شود که حکومت جهانی حضرت مهدی از نشانه های قیامت است.

علامه همزاوی که یکی از علماء و دانشمندان اهل سنت است می گوید: مقاتل بن سلیمان و گروهی از مفسرین اهل سنت که در تفسیر از «مقاتل» تبعیت میکنند، عقیده دارند که منظور از «او» در آیه شریفه حضرت مهدی (ع) است که در آخر الزمان ظهور خواهد نمود.<sup>۲</sup>

۱. سورة زخرف، آیه ۶۱ جزء ۲۵

۲. ینابیع الموده، ص ۱۵۳

## تملك بر شرق و غرب

الَّذِينَ إِن مَكَّنَّا هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا  
الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ  
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

آنانکه اگر در زمین تمکینشان دهیم و اقتدارشان بخشیم  
نماز را بیای می دارند و زکوه می دهند به خوبی ها فرمان  
می دهند و از زشتی ها باز میدارند و پایان همه کارها بدست  
خداست.

ابی جارود از حضرت امام باقر(ع) نقل می کند که فرمود:

این آیه در مورد حضرت مهدی و اصحاب آن بزرگوار نازل شده است،  
که خداوند آنها را بر شرق و غرب زمین تملک دهد و بوسیله ایشان دین را  
آشکار کند تا اینکه اثری از ظلم و انحراف و کجروی دیده نشود.<sup>۱</sup>  
مضمون همین حدیث به نحو دیگر نیز از امام باقر(ع) روایت شده است:  
این آیه در مورد آل محمد(ص) تا آخرین امام است و خداوند، مهدی  
و اصحابش را بر شرق و غرب زمین تملک می دهد و دین را کامل نموده  
بوسیله او باطل و بدعتهای ناروا را از بین میبرد همچنانکه نادانان، حق را از  
بین برده بودند، تا اینکه اثری از ظلم باقی نمی ماند و ایشان به معروف و  
نیکی ها فرمان می دهند و از منکرها باز می دارند.

۱. سوره مبارکه حج، آیه ۴۱

۲. ینابیع الموده، ص ۴۲۵

## بقیه الله

بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آنچه که خداوند برای شما باقی گذارده (از سرمایه های حلال) برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید.

امام باقر(ع) می فرماید: این آیه ای است که قائم(ع) آنرا تلاوت می کند و سپس می فرماید: من بقیه الله و حجت خدا و نماینده او در زمین بر شما (مردم) می باشم.  
و مردم بسوی او می آیند و بر ایشان سلام می کنند و نحوه سلامشان چنین است:

السلام عليك يا بقية الله في الارضه.<sup>۲</sup>

۱ . سوره هود، آیه ۸۵  
۲ . تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۶۸

## سیمای مجرمان

يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ

مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند، و آنگاه آنها را به موهای پیش سرشان و پاهایشان میگیرند و به دوزخ می افکنند.

شیخ مفید(ره) از معاویه بن عمار نقل می کند، امام صادق(ع) فرمود: معاویه مردم این آیه را چگونه تفسیر می کنند؟ عرض کردم: می گویند، روز قیامت خداوند مردم را از سیما و چهره هایشان می شناسد. حضرت فرمود:

اشتباه می گویند، آیا خداوندی که مخلوقات را آفریده نیازی دارد که آنها را از سیمایشان بشناسد؟

عرض کردم: ای پسر رسول خدا پس معنی آیه چیست؟ حضرت فرمود: زمانی که قائم ما «عجل الله تعالی فرجه الشریف» قیام کند خداوند سیمای دشمنان ما را به ایشان می شناسد، پس امر می کند به آن حضرت که آنها را گرفته با شمشیر سرشان را از تن جدا کند.<sup>۱</sup>

۱. سوره رحمن، آیه ۴۱

۲. تفسیر برهان، ج ۴ ص ۲۶۸

## حزب الله

أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>

آنها حزب الله اند، بدانید و آگاه باشید حزب الله پیروز است

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند، روزی مردی یهودی به نام جندل بن جناده بر پیامبر (ص) وارد و چند سوال از محضر رسول گرامی اسلامی پرسید.

بعد از جواب حضرت، مرد یهودی اقناع گردیده و اسلام آورد. سپس عرض کرد:

یا رسول الله، دیشب در عالم رویا، محضر موسی بن عمران شرفیاب گردیدم که به من امر فرمود، اسلام را نزد شما اختیار نمایم و به اوصیاء و جانشینان شما تمسک جویم، آنان چه کسانی هستند؟

حضرت در پاسخ فرمودند: جانشینان من دوازده نفر هستند، اول آنها سید اوصیاء علی مرتضی (ع) و بعد از فرزندانش، سپس اسامی آنان را بر زبان آورد، تا رسید به نام مبارک امام حسن عسکری سپس فرمود: بعد از او فرزندش (محمد) که به مهدی قائم و حجت خوانده می شود و غایب خواهد شد و با ظهور خود زمین را از عدل و داد پر کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

خوشا به حال صبر کنندگان و بردباران غیبت او، خوشا به حال کسانی که



ایشان را دوست می دارند. ایشان اشخاصی هستند که خداوند وصف آنها را در کتاب خود آورده.

سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمودند: «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب»<sup>۱</sup> و نیز خداوند در وصف آنها فرموده است - «اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون»<sup>۲</sup>

---

۱ . سوره بقره، آیه ۲۱  
۲ . ینابیع الموده، ص ۴۴۲

## عصر مهدی (ع)

وَالْعَصْرِ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ \*

به عصر سوگند، که انسانها در زیانند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و به شکیبائی و استقامت توصیه نموده اند.

در ابتدای سوره مبارکه خداوند سوگند و قسم به عصر یاد می کند، مفسران در تفسیر این سوگند احتمالاتی داده اند که به یک مورد اشاره می شود.

عده ای از مفسرین قائلند این عصر که خداوند بدان سوگند یاد می نماید، عصر قیام مهدی (عج) است که دارای ویژگیها و عظمت خاصی در نزد پروردگار و همچنین بشریت می باشد، و بر همین اساس که دارای عظمت است شایستگی سوگند حضرت حق را دارد.

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود:

«العصر، عصر خروج القائم»<sup>۲</sup>

منظور از عصر در آیه مبارکه، عصر قیام مهدی (عج) است.

همچنین در روایت دیگری آن حضرت به فضل بن عمر میفرماید:

۱. سوره عصر آیات ۱ و ۲ و ۳  
 ۲. نور الثقلین، جلد ۵، ص ۶۶۶

مراد از عصر، عصر خروج قائم ما آل محمد (علیهم السلام) است و مقصود از انسان که زیانکار است دشمنان ما می باشد، مراد از ایمان، اعتقاد به خدا و امامان است.<sup>۱</sup>

خوانندگان عزیز، به چند نمونه از آیات قرآن کریم که پیرامون وجود مقدس امام عصر (ارواحنا فداه) بود به طور اختصار اشاره نمودیم.

هدف ما در طرح و بیان آیات شریفه اثبات مدعای شیعه امامیه مبنی بر وجود مقدس حضرت ولی عصر و انقلاب جهانی آن حضرت و بر پایی عدل و قسط در این کره خاکی است که روایات بی شماری نیز مفسر این آیات شریفه می باشند.

# فصل دوم

سیمای نورانی

امام زمان  
عجل الله

در نج البلاغه

## نهج البلاغه ' کتابی است... ..

نهج البلاغه کتابی است، فروتر از کلام خدا و فراتر از سخن بشر، کتابی که طراز فصاحت است و پیرایه بلاغت، عربیت را بها فزاید و دین و دنیا را به کار آید.

---

۱. نامی است که مرحوم سید رضی (رحمه الله علیه) بر گرد آورده خود از خطبه ها، نامه ها، و گفتارهای کوتاه مولی امیر المؤمنین علی (ع) نهاده است.

محمد بن احمد حسنی، مکنی به ابوالحسن و معروف به سید رضی (ره) از بزرگان علماء شیعه است و در زهد و تقوی و کمال نفس و جمال خلق مشهور و مورد اعتماد خاص و عام بوده است.

در سال ۳۵۹ هجری قمری متولد شد و به سال ۴۰۴ در بغداد در گذشت.

پدر بزرگوارش، مردی جلیل القدر و صاحب منزلت بوده، که همه صفات پسندیده در او موجود بود. و مادرش نیز از بانوان شایسته و با کرامت بود.

ابن ابی الحدید معتزلی در شرحش بر نهج البلاغه می نویسد:

شیخ مفید گوید: شبی در خواب دیدم در مسجد خود واقع در محله کرخ نشسته، ناگاه بی بی دو عالم فاطمه زهرا (س) دختر رسول گرامی اسلام (ص) با حسن و حسین (علیهم السلام) که هر دو کوچک بودند وارد شدند.

آن حضرت به من فرمودند: شیخ فقه را به ایشان بیاموز

شیخ گوید، از خواب بیدار شده در شگفت بودم که چه خواهد شد.

در بامداد همان شب (فاطمه بنت الحسین...) مادر، سید رضی داخل مسجد شد در حالیکه دو فرزندش سید رضی و سید مرتضی همراه او بودند، نزدیک من آمدند و گفت: ای شیخ دو فرزندم را نزد شما آورده ام تا به آنها فقه بیاموزی

گویند: شیخ مفید (ره) وقتیکه این قضیه را مشاهده کرد، گریه سختی نمود، تربیت و آموزش آن دو را متکفل شد و ابواب علوم را بر آنان گشود، و آن دو نیز از بزرگان عالمان تشیع و صاحبان کرامات عدیده گردیدند.

نهج البلاغه، دائره المعارفی از فرهنگ اسلامی است که خواست امام (ع) در آن تدریس علوم طبیعی و یا فهماندن نکته های فلسفی و یا تاریخی نیست، سخنان مولا علی (ع) در طرح این مباحث، همچون قرآن کریم است که به زبان موعظت از هر پدیده محسوس یا معقولی نمونه ای روشن و قابل درک در پیش چشم بیننده و شنونده، قرار می دهد، سپس آرام آرام او را با خود به سر منزلی می برد که باید بدان برسد.

نهج البلاغه راهنمای گمراهان و چاره بیچارگان است، کسی که خواهان سعادت همیشگی است، لازم باشد که این کتاب را سر مشق خود قرار دهد و از سخنان آن پند گرفته به فرامینش عمل کند.

در مورد نورانیت و عظمت نهج البلاغه همین بس که، «محمد عبده» روحانی و دانشمند اهل سنت و معاصر سید جمال الدین اسد آبادی و یکی از شارحین نهج البلاغه گوید:

« در هنگام مطالعه نهج البلاغه، گاهی یک عقل نورانی را میدیدم که شباهتی به مخلوق جسمانی نداشت، این عقل نورانی از گروه اوراح و مجردات الهی (ملکوتیان) جدا شده و به روح انسانی پیوسته و آن روح انسانی را از پوشاکهای طبیعت تجرید نموده و تا ملکوت اعلی بالا برده و به عالم شهود و دیدار روشن ترین انوار نایل ساخته است.<sup>۱</sup>

۱. شرح نهج البلاغه محمد عبده، مقدمه، ص ۷

## حضرت مهدی (عج) از دیدگاه شیعه

اعتقاد به امامان دوازده گانه از خاندان رسالت (ع) از پایه های اساسی مذهب شیعه شمرده می شود و بدین سبب است که مذهب ما بنام «مذهب امامیه» و «مذهب اهل بیت» خوانده می شود، و پیروان این عقیده را «امامی» و «شیعه» می نامند.

به اعتقاد شیعه نخستین امام معصوم امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب (ع) و آخرین آن، امام منتظر حجة بن الحسن العسکری (عج) می باشد که در سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا دیده به جهان گشود، آنگاه خداوند عمر او را طولانی گردانیده و وی را از دیده ها پنهان نگاه داشت تا روزی که وعده خود را قطعی نموده و آن بزرگوار را ظاهر گرداند و بوسیله او آئین اسلام را بر تمام ادیان غالب و پیروز، و جهان را پر از عدل و داد سازد.

بنابراین باور داشتن اینکه مهدی موعود (عج) امام دوازدهم و زنده و غایب می باشد جزئی از مذهب ما شمرده می شود و بدون اعتقاد به آن نمی تواند یک مسلمان شیعه دوازده امامی و حتی یک سنی و یا زیدی و غیره بود.

برادران اهل سنت ما، در تمام روایاتی که درباره ولی عصر (ع) آمده است، نظیر بشارت به وجود مبارک آن حضرت و نهضت و ظهورش و تجدید اسلام به دست با کفایت آن بزرگوار و جهانی بودن حکومت وی، با ما موافق بوده و وحدت نظر دارند. بگونه ای که روایات مربوط به حضرتش را در منابع شیعه و سنی یکسان و یا شبیه به یکدیگر ملاحظه می کنیم. (در

آینده به نظرات بعضی از دانشمندان اهل سنت اشاره خواهد شد). به اعتقاد شیعه، مهدی (عج) بقیة الله در زمین و حجت خدا از خاندان رسالت و خاتم اوصیاء و امامان (ع) می باشد و پاسدار حریم قرآن و وحی و پرتو افکن نور خدا در زمین محسوب می گردد.

تمام ارزشها و الگوهای اسلامی در شخصیت وی تبلور یافته و شبیه به نبوت و امتداد شعاع و پرتو رسالت است.

اگر شیعه با سرمایه زندگی معنوی خود، با پیامبر و خاندان وی ارتباط داشته و بدین امر معروف است، برای این است که شخصیت امام مهدی (عج) و مأموریت موعود او، دارای جاذبه ویژه ای در سیراب ساختن روح شیعه با عشق و امید و مهر می باشد.

مسیو هانری کربن استاد دانشگاه سوربن فرانسه در مورد مذهب تشیع اعتقاد دارد، «در میان تمام مذاهب موجود عالم، فقط مذهب شیعه است که مذهبی پویا و متحرک و زنده است، و بقیه مذاهب بدون استثناء عمر خود را سپری کرده اند، و حالت ترقب و تکامل را ندارند.

کلیمیان قائل به امام و ولی زنده ای نیستند، همچنین مسیحیان و زرتشتیان و... آن ادیان اتکاء به مبدأ حیاتی ندارند و به ظاهر تورات و انجیل وزند و اوستا، اکتفاء نموده و تکامل خود را فقط در این محدوده جستجو می کنند. و همچنین تمام فرق اهل سنت که فقط تکامل خود را در سایه قرآن و سنت نبوی می دانند.

اما شیعه دین حرکت و زندگی است. چون معتقد است که حتماً باید



امام و رهبر امت زنده و در قید حیات باشد، و تکامل انسان فقط به وصول به مقام مقدّس او حاصل می شود، و لذا برای این منظور از هیچ حرکت و پویائی و عشق دریغ نمی کند.

در فرازهای متعدد از کتاب شریف نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی(ع) خبر از وجود مقدس ولی عصر(عج) و تشکیل یک حکومت جهانی اسلامی و بسط دین اسلام و اتحاد مسلمین می دهد.  
به فضل خداوند به اختصار بدانها اشاره می نمائیم.

«اخبار امام علی (ع) از غیبت»

فَإِذَا أَنْتُمْ أَنْتُمْ لِمَ رِقَابِكُمْ، وَأَشْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَصَابِعِكُمْ،  
جَاءَهُ الْمَوْتُ فَذَهَبَ بِهِ فَلَيْسَ بَعْدَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ حَتَّى يُطْلَعَ  
اللَّهُ لَكُمْ مِنْ يَجْمَعُكُمْ وَيَضُرُّكُمْ

« هنگامیکه شما گردن برای او فرود آورید (منظور حکومت حضرت علی (ع) و بیعت مردم با ایشان) و برای موقعیت او با انگشتانتان به او اشاره کردید مرگ به سراغش آمده او را خواهد برد. پس از چشم فرو بستن او از دنیا، تا زمانیکه خدا بخواهد درنگ خواهید کرد تا خداوند در میان شما کسی را ظاهر نماید که شما را مجتمع نموده و پراکندگی شما را به تشکل مبدل نماید.

در این خطبه امام (ع) با اینکه چند روز<sup>۱</sup> از حکومت و خلافتش بیش نگذشته بود خبر از جمع شدن مردم حول وجودش و شهادتش و خبر از آینده و عالم غیب و ظهور شخصیتی که باعث اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی می شود می دهد. آری، مردم دوران علی (ع) پس از گذشت سالیان متمادی بعد از رحلت رسول گرامی اسلام از گذشته و عملکرد خود نادم

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۹۹

۲. ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۷ ص ۹۳ در شرح این خطبه می گوید: « بدان این خطبه را امیرالمؤمنین (ع) در سومین جمعه از خلافتش ایراد نموده است.»

گشته، برخاستند که او را بشناسند و تسلیم او گردند، ولی دریغا و افسوس که وقت گذشته و دیر شده بود و آن آفتاب عالمتاب در حال غروب بود. مطابق جملات امیر المؤمنین (ع) در خطبه شریفه، پس از سالها غربت و تنهایی علی (ع) تدریجاً بر شمار علی شناسان افزوده می گشت، ولی چه فایده چونکه علی (ع) به جای گفتن خطبه ها و سخنرانیهای پرشور الهی و انسان ساز آماده گفتن «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» می گشت.

مولا علی (ع) خبر از آینده و غیب می دهد: « خداوند در میان شما کسی را ظاهر نماید که شما را جمع و پراکندگی شما را به تشکل مبدل سازد.»

شارحان معروف نهج البلاغه، مانند « ابن میثم بحرانی، ابن ابی الحدید، هاشمی خویی و علامه محمد تقی جعفری » معتقد هستند مقصود امیر المؤمنین علی (ع) در این فراز از خطبه شریفه که وعده ظهور شخصیتی را در آینده می دهد و به واسطه ظهور او تفرقه و پراکندگی از میان جامعه اسلامی رخت بر می بندد، وجود مبارک و نازنین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

همانطور که در فصل اول کتاب بیان شد، آیات و خطبه ها و احادیث فراوانی نوید می دهند، هنگامیکه ولی عصر (عج) ظهور نماید و بر زورگویان و ستمگران غلبه پیدا نماید، تمام زمین به وسیله یک حکومت جهانی اسلامی اداره می شود عدل و داد که بشریت تشنه آن است زمین را

۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۹

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷ ص ۹۷

۳. تفسیر نهج البلاغه علامه جعفری، جلد ۱۸ ص ۸۳

فرامی‌گیرد، مردم با هم مهربان شده با صدق و صفا زندگی می‌کنند، امنیت عمومی همه جا را فراگرفته و کسی در صدد آزار دیگری نمی‌باشد، توجه مردم به خدا زیاد شده و گرد معاصی نمی‌گردند، دین اسلام دین رسمی جهان شده بانگ توحید از همه جا بلند می‌گردد. در عصر مهدی (عج) عقول مردم کامل گشته و سطح معلومات عمومی بالا می‌رود، تمام زمین سبز و خرم شده، برکات و محصولات زمین زیاد می‌گردد.

از نکات بارز در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) رفاه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی در حکومت جهانی اوست در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد، از جمله روایتی است که از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمودند: « زمین گنجینه‌هایش را برای او خارج می‌سازد و وی مال و سرمایه بی‌شمار بین مردم پخش می‌کند.»

نکته‌ای که در این خطبه قابل تامل است و نشان از علم علی (ع) به عالم غیب می‌دهد، آن است که حضرت ابتداء سخن از حکومت خود و چگونگی بیعت مردم با او و سپس خبر از شهادتش در آینده‌ای نزدیک و در نهایت خبر می‌دهد، در آینده شخصیتی ظهور خواهد کرد و بواسطه ظهور و قیام او افتراق و پراکندگی از میان جامعه اسلامی رخت بر خواهد بست و خداوند بوسیله او حق را بر باطل پیروز نموده و حکومت عدل جهانی تشکیل خواهد گردید.

اگر سیری در تاریخ گذشته اسلام نمائیم، خواهیم دید که بعد از

امیرالمؤمنین علی(ع) که یک حکومت اسلامی پنج ساله تشکیل دادند، دیگر ائمه اطهار(ع) به علل مختلف که بنای بر بیان آن را نداریم، موفق بر این امر نشدند و تنها کسی که بر این امر موفق خواهد شد، به ادله مختلف امام ولی عصر (عج) می باشند.

در اینجا نیکو ست که برای تائید مدعای خود به روایتی از پیامبر اسلام(ص) تمسک جسته و از آن کسب فیض نمائیم.

عن سعید بن جبیر عن ابن عباس رضی الله عنهما، قال، قال رسول الله(ص):

إِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَمَنْ وَلَدَهُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُ  
الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي  
بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا أَنْ الثَّابِتِينَ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ  
فِي زَمَانٍ غَيْبِهِ يَغْرَمُنَ الْكِبْرِيَّتَ الْأَحْمَرَ.

فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِلْقَائِمِ مِنْ  
وَلَدِكَ غَيْبِهِ.

قال: اى و ربي ليمحص الله الذين آمنوا و يحق الكافرين،  
ثم قال: يا جابر، ان هذا امر من الله و سر من اسرار الله  
فاياك و الشك فان الشك فى امر الله عزوجل كفر.

سعید بن جبیر از ابن عباس (رضی الله عنهما) نقل می کند، که او  
گفت، رسول خدا(ص) فرمودند:

بدرستی که همانا علی وصی من است، و از فرزندان اوست قائم، که

زمین را از عدل و داد مملو سازد، بعد از اینکه پر شده باشد از جور و ستم. سوگند به آن کس که مرا به حق بشارت و انذار دهنده! برانگیخت، کسانی که بر قول امامت او در زمان غیبتش ثابت و استوار بمانند تحقیقاً گران بهاترند از کبریت احمر.<sup>۱</sup>

جابر بن عبدالله برخاست و عرض کرد: یا رسول الله (ص) برای قائم از فرزندان شما غیبتی باشد،

حضرت فرمودند:

آری به پروردگرم سوگند کسانی که به او ایمان آورده اند پاک و منزه می نماید، و کفر را نابود می سازد،

آنگاه فرمودند:

ای جابر این (غیبت و ظهور) امری از قضاء و قدر الهی و سرّی از اسرار الهی است. مبادا در آن شک و تردیدی روا داری، بدرستی که شک در امر خدا کفر است.

«تداوم امامت تا ظهور امام زمان (ع)»

امیر المؤمنین (ع) در ادامه خطبه می فرمایند:

أَلَا إِنَّ مَثَلَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) كَمَثَلِ نُجُومِ السَّمَاءِ إِذَا حَوَى  
نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَكَأَنَّكُمْ قَدْ تَكَامَلْتُمْ مِنَ اللَّهِ فِيكُمْ الصَّنَائِعُ  
وَأَرَاكُمْ مَا كُنْتُمْ تَأْمَلُونَ<sup>۲</sup>

۱. شی با ارزش ولی کمیاب.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۹

«آگاه باشید، مثل اهل بیت محمد(ص) مثل ستارگان آسمان است، هر گاه ستاره ای از آنان غروب کند، ستاره ای دیگر طلوع نماید (تا ظهور صاحب الزمان)، گویا می بینم در پرتو خاندان پیامبر(ص) نعمت های خدا بر شما تمام شده و به آنچه آرزو دارید رسیده اید.»

آری خاندان عصمت و طهارت، ستارگان هدایت برای کشتی وجود انسانها در اقیانوس هستی می باشند.

و بهترین وسیله برای هدایت بشر، البته برای انسانهاییکه بدانند در زندگی آدمی روشنائی ها و تاریکی هایی وجود دارد. و اگر در آن تاریکیها، به عقل و درک ناچیز خود مغرور شوند پیروی از راهنمایان واقعی ننمایند، روشنائیهای زندگیشان هم به تاریکیها مبدل خواهد گشت.

## احیاء کتاب و سنت

خطبه ذیل، از خطبه‌هایی است که حضرت امیر المؤمنین علی (ع) در آن به پیش آمدهای سخت «و به ظهور قائم منتظر (عج)» اشاره می‌فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ إِذَا عَطَفُوا الْهُدَىٰ عَلَى الْهَوَىٰ،  
وَيَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى  
الرَّأْيِ...

(چون امام منتظر از پس پرده غیب بیرون آید) مردمی را که از مسیر نورانی (انبیاء علیهم السلام) منحرف شده و از هوای نفس پیروی می‌نمایند به سوی هدایت (که راه پیامبران است) برمی‌گردانند، هنگامی که آن مردم هدایت را به هوی و هوس خود ارجاع می‌نمایند، و آراء و نظریات مخالف با قرآن را بسوی قرآن بر می‌گردانند. زمانیکه مردم قرآن را به آراء و نظریات فاسد خود بر می‌گردانند...

يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عَمَّا لَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا وَ  
تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَقَالِدَ كِبِدِهَا، وَتُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا  
مَقَالِدِهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السِّنَّةِ، وَ يُحْيِي مِيتَ  
الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ.



زامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروزی است (حضرت مهدی(عج)) عمال و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد،

زمین قطعات جگرش (معادن طلا و نقره....) را برای او بیرون بیندازد و همه کلیدهای خود را با کمال تسلیم در اختیار آن پشراز الهی گذارد، در این موقع است که چگونگی عدالت و رفتار با انسانها را برای شما ارائه می‌دهد، کتاب و سنت از بین رفته‌اند، احیاء می‌نماید.<sup>۱</sup>

آری، در آن هنگام که ولی الله الاعظم و حاکم عدالت پیشه، پرچمدار هدایت، قدم به جوامع بشری بگذارد، هوای و هوس و تمایلات حیوانی که ملاک و محور رشد و کمال قرار گرفته است بوسیله آن حجت برگزیده ربانی، بطلان و سقوط خود را آشکار می‌سازد.

مطابق دریافتهای وجدانی و حکم عقل سلیم و شهادت مکتبهای الهی و صاحب نظران آگاه از ابعاد وجود بشر در طول تاریخ، روزی در این کره خاکی فرا رسد که همای سعادت عدالت، بال و پر گشاید و فضای این نیرنگ سرا و میدان تنازع در بقاء را به آشیانه امن انسان و انسانیت مبدل سازد، قطعی است آنروز که عنایت الهی مدد کند و عدالت در روی زمین بوسیله دولت جهانی که زمامدارانش انسان کامل الهی حضرت حجة ابن الحسن (علیه السلام) خواهد بود، بر پا شود استعدادهای فانی انسان که در طول قرون و اعصار متمادی را کد مانده بوده است، به فعلیت در می‌آید و

انسان تعریف حقیقی خود را در می یابد و خداوند سبحان در آن روزگار همه نیروهای روی زمین را در اختیار کسی قرار می دهد که آنها را در مجرای عدالت به ثمر می رساند.

خواننده عزیز و محترم؛ که روز و شب در انتظار ظهور آقا و مولایت، حضرت صاحب الامر (عج) هستی و بیاد حکومت و عصر الهی او پیوسته اشک شوق می ریزی و آرزو می کنی در التزام رکاب آن حضرت شهید شیرین شهادت را نوشیده و به درجه رفیع شهادت نائل آئی، پیش از اینکه به بیان ویژگیهای جامعه جهانی اسلامی که حاکم آن خلیفه الله و امام زمان است پردازیم، این تذکر لازم است که ویژگیهای نظام و جامعه اسلامی که باید در جهان برقرار شود همان هدف بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) است که تاکنون به علل مختلف تحقق نیافته و یا بطور کامل حاصل نشده است.

«ویژگیهای دولت کریمه امام عصر (عج)»

**الف: اقامه قسط و عدل در جهان**

بارزترین ویژگی جامعه جهانی و دولت کریمه ولی عصر (عج) گسترش قسط و عدل است که در روایات متعددی به آن اشاره شده است.

از جمله پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ  
يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا<sup>۱</sup>

دنیا به آخر نمی رسد تا اینکه مردی در میان امت من قیام کند که از فرزندان حسین(ع) است او زمین را پر از عدل کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده است.

عدل و قسط از اموری است که همه افراد بشر به برقرار نمودن آن اظهار علاقه و میل داشته و بالفطره خواهان آن هستند که عادل باشند و نمی توان بالوجدان حُسن عدل را انکار نمود.

یکی از اهداف عمده بعثت انبیاء الهی نیز بر پائی عدل و قسط می باشد که قرآن کریم هم بدان اشاره نموده است.

« لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. »<sup>۱</sup>

به تحقیق پیامبران خود را با ادله روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

خلاصه کلام اینکه، عدل و قسطی که حضرت ولی عصر امام زمان(عج) جهان را از آن پر می کند معلول اجراء کامل احکام اسلام است و اجراء آن احکام یگانه راه رسیدن به عدالت اجتماعی صحیح است.

**ب: همه جهانیان موحد و خداپرست هستند.**

یکی دیگر از ویژگیهای ممتاز حکومت جهانی ولی عصر(عج) این است که در آن عصر و دوران همگان موحد و یکتا پرست خواهند بود و خداوند را یگانه و بی شریک می شناسند و پرستش می کنند. این امتیاز بزرگ از

ویژگیهای خاص حکومت و عصر امام زمان (عج) می باشد.  
 امیر المؤمنین علی (ع) در وصف حکومت و عصر امام مهدی (عج) می فرمایند:

... سوگند به کسی که جانم بدست اوست، «در عصر حضرت قائم (عج)» هیچ آبادی نمی ماند مگر اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام (ص) داده شود.

سؤالی که شاید در ذهن بعضی از خوانندگان عزیز مطرح شود این است که، چگونه حضرت مهدی (عج) موفق می شود اسلام را در میان ملت‌های غیر مسلمان که از اسلام و احکام نورانی آن بهره ای نبرده اند و در زندگی مادی خود غوطه ورنند و از ایمان و ارزشهای معنوی آن دورند و بعض آنها نیز کینه و دشمنی دیرینه با اسلام دارند بر پا دارد؟

ابتداء لازم بذکر است، که غلبه آن حضرت و تشکیل حکومت جهانی اسلام به سه طریق امکان دارد:

- ۱- بطور اعجاز و خرق عادت انجام گیرد.
- ۲- با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری غلبه و پیروزی محقق شود.
- ۳- اعجاز و معجزات خدا دادی و فراهم شدن اسباب و علل ظاهری مسبب پیروزی و غلبه باشد، همانگونه که در صدر اسلام محقق شد و پیامبر و یارانش بر مشرکین غلبه و پیروز گردیدند.

حضرت ولی عصر (عج) در زمانی ظهور می کند که اوضاع و احوال

اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد جهت پذیرش حکومت آن حضرت باشد.

زمانی می آید، که همه ملل از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم و دشمنی و کینه و ظلم و ستم همه را رنجور و خسته کرده و نسبت به یکدیگر بدبین و از هم جدا ساخته.

در چنین موقعیتی، حضرت ولی عصر(ارواح العالمین له الفداء) و اصحابش با نیروی ایمان و اخلاق حسنه با نجات بخش ترین برنامه های عمرانی و اقتصادی و عدالت اجتماعی برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام قدم به میدان گذاشته و مردم را به سوی خدا و احکام نورانی آن فرا می خواند. اسلام دین فطری است، اگر نور اسلام حقیقی و ناب به قلوب انسانهای تشنه عدالت و خسته از ظلم و ستم بتابد، همه مجذوب آن نور شده و دسته، دسته به اسلام خواهند پیوست.

همانگونه که کلمه توحید در آغاز ظهور اسلام به سرعت پیشرفت نموده بر همه صداها غالب گردید، و اسلامی که در ابتداء منحصر به وجود مبارک پیامبر(ص) و علی و خدیجه(علیهما السلام) بود، روزی رسید که قدرتهای بزرگ را درهم شکست و مردم خسته از ظلم و تشنه عدالت فوج فوج به دور وجود نورانی پیامبر(ص) حلقه زده و او و دینش را منجی خود یافتند. طبق روایات و اخبار رسیده، مردم در آخر الزمان نیز همانگونه به دین اسلام گرویده و آمادگی خود را برای قبول یک حکومت الهی اسلامی در تحت سرپرستی و ولایت امام عصر(عج) نشان خواهند داد.

عامل دیگری که می توان از آن نام برد جهت جذب مردم به دین اسلام و بطور اختصار بدان اشاره می شود پدید آمدن نشانه ها و معجزاتی است که توسط آن حضرت بر ملل جهان بوجود می آید، این نشانه ها بر ملتها به اشکال گوناگون مؤثر واقع شده و آنها را ترغیب به پذیرش دین مبین اسلام خواهد کرد.

### ج: امنیت و صلح عمومی

امنیت و صلح و آرامش از دیگر ویژگیهای حکومت جهانی ولی عصر (عج) است، در سراسر جهان امنیت عمومی حاکم شده و خوفها زایل می شود، و جان و مال و آبروی اشخاص در ضمان امان قرار می گیرد. اختناق، استبداد، زورگویی و ستم که همه از آثار حکومت غیر الهی است از بین رفته و برچیده می شود.

از اخبار و روایات استفاده می شود:

بواسطه حکومت حضرت مهدی (عج) راهها آنقدر امن میشود که حتی اگر ضعیف ترین مردم از مشرق به مغرب سفر نمایند از احدی به او اذیت و آزار نمی رسد.

روزی دَعْبِل شاعر معروف و متعهد عصر امام علی ابن موسی الرضا (ع) محضر آن امام رسیده و اشعاری را در مدح اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) قرائت کرد،

امام رضا (ع) در پایان رو به او کرده فرمودند:

این چند بیت را نیز بر اشعار خود اضافه کن.

که به دو بیت آن در اینجا اشاره می شود:

«إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا

يُفَرِّجُ الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ

«این غمها و نابسامانیها همچنان ادامه دارد، تا خداوند حضرت

قائم(عج) را بر انگیزد، او اندوه و نابسامانیها را از ما رفع کند و ما را

شادمان نماید.»<sup>۱</sup>

### د: شکوفایی اوضاع اقتصادی جامعه

یکی دیگر از ویژگیهای بارز حکومت امام زمان(عج) که در روایات نیز بدان اشاره شده، رفاه اقتصادی و پیشرفت تکنولوژی در حکومت جهانی اوست.

در دولت آن حضرت وضع اقتصاد عمومی بهبود کامل یافته، نعمتها فراوان و آبها مهیار و زمینها آباد و حاصلخیز و معادن ظاهر می شود. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد، از جمله روایتی است که از رسول خدا(ص) نقل شده است که فرمود:

امت من در زمان مهدی از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند آن را هرگز ندیده باشند، آسمان باران بر سر آنان فرو ریزد و زمین هیچ گیاهی را نگاه نداشته مگر اینکه آنرا می رویاند.<sup>۲</sup>

### ه: احیاء کتاب و سنت

یکی از اوصافی که امیر المؤمنین علی(ع) در انتهای خطبه شریفه مذکور

۱. عیون الاخبار الرضا، ج ۲ ص ۲۶۳

۲. منتخب الاثر، ص ۴۷۰

برای حکومت حضرت ولی عصر (عج) بیان می کنند، این است که آن حضرت کتاب و سنت از بین رفته را احیاء مینماید.

از روایات استفاده می شود، در زمان ظهور هنگامیکه مردم با حقایق اسلام و قرآن که توسط ولی عصر (عج) بر آنها تشریح و بیان می شود روبرو شوند چنین دین و برنامه ای برایشان تازگی داشته از آن وحشت می نمایند و اصلاً اسلامش نمی دانند. زیرا آنها اسلام را طور دیگری تصور کرده بودند.

بعضی نیز با نام دفاع از دین و اسلام شروع به مخالفت با اسلام حقیقی و ولی عصر (عج) می نمایند.

امام صادق (ع) در این مورد می فرماید:

اِذَا قَامَ الْقَائِمُ دَعَى النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى  
أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ فَضْلُ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيَا  
لَأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ بِالْقَائِمِ لِقِيَامِهِ  
بِالْحَقِّ<sup>۱</sup>

وقتی قائم ما قیام کرد، مردم را از نو بسوی اسلام دعوت مینماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن بدور افتاده اند هدایت می کند. آن جناب مهدی نامیده شده، چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می کند و قائم نامیده شده، چون برای پیاداشتن حق قیام می کند.



## مخفی از دیدگاه مردم

أَلَا وَإِنَّ مِنْ أَلْسِنَةٍ مَّنَاسِرٍ فِيهَا بَسِيجٌ مُنِينٌ، وَ يَحْدُو  
 فِيهَا عَلِيٌّ مِثَالِ الصَّالِحِينَ، لِيَحُلَّ فِيهَا رِقْتًا وَ يُعْتَقَ فِيهَا رِقْتًا  
 وَ يَصْدَعُ شَعْبًا وَ يَشْعَبُ صَدْعًا، فِي سُرَّةِ عَنِ النَّاسِ لَا يُبْصِرُ  
 الْقَائِفُ أَثْرَهُ وَ لَوْ تَابَعَ نَظْرَهُ<sup>۱</sup>

حضرت امیر المؤمنین علی (ع) در خطبه مذکور، اشاره به فتنه‌ها و پیشامدهای سخت، آخر الزمان نموده و از وجود نورانی امام عصر (عج) خبر می‌دهند.

حضرت بعد از بر شمردن فتنه‌ها و سختیهای بعد از خود میفرمایند:

بدانید آن کس از ما (حضرت مهدی (عج)) که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن (چراغ و نور امامت و ولایت) حرکت خواهد کرد، و پیروی از آرمان نیکان و صلحاء خواهد نمود، تا در آن گرفتاریها و فتنه‌ها گره‌ای را گشاید. (گرفتاران در ضلالت و گمراهی را نجات و رهائی دهد) و اسیران را (از قید جهل و نادانی) آزاد نماید، و جمعیت گمراهان را متفرق سازد، و صلحاء و نیکان را که از یکدیگر جدا شده‌اند، جمع نماید. پنهان از مردم است هر چند که مردم جوینده و در پی او هستند. (هیچکس او را نخواهد دید اگر چه سعی و کوشش بسیار بکار برد، مگر کسیکه لیاقت ملاقات داشته و حکمت الهیه به آن قرار گیرد...)

۱. شرح نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۱۵۰

عده زیادی از مفسرین نهج البلاغه، قائلند که منظور از جمله «**مِنْ أَدْرَكهَا مِنَّا**» (کسیکه از ما، فتنه ها را درک می کند) در خطبه شریفه، وجود مقدس حضرت بقیة الله (عج) می باشد.

با توجه به صفات بیان شده در خطبه، علی الخصوص دو جمله «**بِسراج منیر**»، (با چراغی روشن) و «**فِي سِتْرَةٍ عَنِ النَّاسِ**»، (مخفی از دیدگاه مردم) احتمال قریب به یقین مقصود وجود مقدس حضرت ولی عصر (عج) بوده باشد. زیرا این خصائص، تنها متعلق به آن حضرت است.

با وجود آنکه رخسار مبارکش از دیدگاه مردم پوشیده است، با اینحال، اثر و برکت آن وجود مقدس مانند چراغی پر فروغ و نورانی، مسیر حق و حقیقت را روشن می سازد.

### «امکان تشریف به حضور امام زمان (عج) در زمان غیبت کبری»

سؤالی که پیوسته در ذهن بعضی از شیفتگان امام عصر (عج) وجود دارد، این است که آیا در زمان غیبت کبری، امکان تشریف به محضر مقدس بقیة الله الاعظم (عج) وجود دارد؟

موضوع تشریف به حضور امام زمان (ع) را اگر از دیدگاه عقل بنگریم، که آیا تحقق آن ممکن است یا ممتنع؟ بر هیچ کس شک و تردیدی وجود ندارد در این که ملاقات و دیدار آن حضرت نه خود امری محال و نه مستلزم امر محالی می باشد، و عقل هیچگونه مانعی برای آن نمی بیند، و بلکه ظن قوی بر وقوع و تحقق آن است. علاوه بر این دلیل، دلائل نقلی بی شماری وجود دارد که بیان می کند، امکان تشریف در زمان غیبت برای

شیفتگان ممکن است که به چند نمونه از آن اقوال به اختصار می پردازیم.  
مرحوم سید مرتضی اعلی الله مقامه می فرماید،

«هیچگونه مانعی نیست از اینکه امام زمان (عج) برای بعضی از دوستان خود که بیم و ترسی از ناحیه آنان نمی باشد ظاهر شود و این چیزی نیست که بتوان قطع به امتناع آن پیدا کرد.»

مرحوم شیخ طوسی رحمه الله علیه می فرماید:

... اگر دشمنان ولی عصر مانع حضور و ظهور امام (عج) شدند... لیکن این موجب نمی شود که بعضی از دوستان و دلدادگان آن حضرت «در حالیکه او را حاکم در قلب و جان خویشان می دانند» به نحو اختصاصی و استثنایی و با خواست خود آن حضرت شرفیاب حضورش گردند... و لازم نیست که آدمی معتقد باشد که آن حضرت از همه اولیاء و دوستانش پنهان و مخفی است.»

مرحوم سید بن طاووس اعلی الله مقامه در این باره میفرماید،

«راه به سوی امام زمان (ع) برای کسیکه خداوند بخواهد عنایتش را شامل حال او کند و احسان خود را بر او کامل گرداند باز است.»<sup>۳</sup>

### «توقیع مبارک»

امام عصر (عج) در توقیع مبارک خود به نام «علی بن محمد سمری»  
نایب چهارم از «نواب اربعه» در عصر غیبت صغری، اعلام می دارند:

۱. تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۴

۲. تلخیص الشافی، ج ۴ ص ۲۲۱

۳. کشف المحجّه ص ۱۵۲

« وَقَعَتِ الْعَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ ... وَسَيَأْتِي لِشَيْعَتِي مِنْ يَدْعِي الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةَ وَهُوَ كَذَابٌ مُفْتَرٌ »<sup>۱</sup>  
 غیبت کامل آغاز شده و هر کس پیش از «خروج سفیانی» و «صیحه آسمانی» ادعای مشاهده نماید، کذاب و مفتری است.

در اینجا سؤالی که بذهن می آید، با وجود دلایل متفاوت عقلی و نقلی بر امکان تشرف در زمان غیبت کبری و ادعای مشاهده در این زمان توسط انسانهای صالح و وارسته، این توقیع را چگونه باید تفسیر کرد. در جواب می توان گفت:

این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است و در آن به جناب «علی بن محمد سمري» - رضوان الله علیه - امر شده است که به احدی وصیت ننماید که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد.

و نیز اعلان صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام (ع) و مردم می نماید.

بنابراین، چنانکه بعضی بزرگان هم فرموده اند، ممکن است مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری خوانده شود، کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی نمایند، و همچنین وقوع حکایاتی مبنی بر تشرف

افرادی به محضر آن حضرت، قرینه و دلیل است بر اینکه در این توقیع، نفی مطلق مشاهده و شرفیابی مراد نیست، بلکه مقصود نفی ادعائی است که دلیل بر تعیین شخص خاصی به نیابت باشد.

و ممکن است مراد از توقیع مذکور نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد، یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام(ع) شرفیاب می شود، یا ارتباط پیدا می کند، کذاب و مُفتری است و این ادعاء از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست.

علاوه بر این اجمالاً با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهور که نشان از شرفیابی به محضر مقدس امام زمان است و بیش از حد تواتر نیز می باشد، نمی توان خدشه وارد نمود و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات است.<sup>۱</sup>

در این مقال، از باب تیمم و تبرک به ذکر دو نمونه از عنایات و الطاف امام زمان(عج) نسبت به انسانی والامقام و آزاد شده از قیود ماده پرستی و شهرت طلبی پرداخته و امیدواریم ید نورانی آن حضرت نیز بر سرما کشیده شده و از الطاف بی کرانش بیش از پیش بهره مند گردیم.

### «علامه حلی و عنایات ولی عصر(عج)»

یکی از مفاخر و فقهاء بزرگ عالم تشیع مرحوم علامه حلی متوفای سال ۷۲۶ است که با تالیف کتابهای گرانقدرش حقوق عظیمی بر امت

۱. در مورد سند، توقیع مبارک مراجعه شود به کتاب «جته الماوی» مرحوم حاجی نوری- و یا بحار الانوار، جلد ۵۳ ص ۳۱۸

اسلام و بویژه بر فقها و علماء بزرگ و مراجع گرانقدر شیعه در ادوار مختلف دارد. این بزرگوار از فقهاء نامدار و علماء بزرگی است که عنایت حضرت ولی عصر درباره او محقق گشته و مشهور السنه و افواه و کتب گردیده است.

مشهور است که یکی از علماء اهل سنت که در بعضی از فنون علمی استاد علامه بود کتابی در ردّ مذهب شیعه امامیه نوشته بود، و در مجالس و منابر مختلف آنرا برای مردم خوانده و بدین وسیله مردم را گمراه نموده و نسبت به اهل بیت بدبین و بد گمان میکرد، و از بیم آنکه مبادا کسی از علماء شیعه بر آن کتاب جواب و ردّی بنویسد به کسی آن کتاب را نمی داد که استنساخ و نسخه برداری نماید.

مرحوم علامه حلّی پیوسته در صدد آن بود که آن کتاب را بدست آورد تا ردّ آن را بنویسد، روزی علامه از آن عالم سنی خواهش نمود که کتاب را به نحو عاریه در اختیار او گذارد، چون آن شخص نخواست که یک باره دست ردّ بر سینه خواهش او نهد گفت:

سوگند یاد کرده ام که این کتاب را بیشتر از یک شب پیش کسی نگذارم، علامه همان مدت را غنیمت دانسته کتاب را گرفت و به خانه برد که در آن شب به قدر امکان از آن کتاب نسخه برداشته و جواب دهد.

چون به کتابت مشغول گردید و پاسی از شب گذشت خواب و خستگی بر جناب علامه عارض گردید.

در این وقت آقای به حجره وارد شد و از علامه خواست در کتابت او را

یاری نماید و او نیز استراحت کند و چون علامه از خواب بیدار شد آن نسخه را تمام شده یافت. و در پایان آن هم مُهر شریف حضرت صاحب الامر علیه السلام را مشاهده نمود.<sup>۱</sup>

### «عنایت دوم»

مرحوم میرزا محمد تنکابنی رحمه الله علیه گوید، مرحوم آخوند لاهیجی از آقا سید محمد «صاحب مناهل» نقل کند:

مرحوم علامه حلی در شب جمعه ای تنها به زیارت سید الشهداء علیه السلام می رفت، در اثناء راه شخص عربی پیاده به همراه علامه براه افتاد و با هم به مکالمه مشغول شدند، چون قدری با هم سخن گفتند بر علامه معلوم شد که این شخص مرد فاضل و متبحری است پس در مسائل علمیه با هم صحبت داشتند. مشکلات و مجهولاتی که برای علامه در علوم مانده بود یک به یک از آن شخص سؤال می کرد و او پاسخ می داد، تا اینکه سخن در مسئله ای واقع شد و آن شخص فتوایی گفت، علامه منکر آن شد و گفت: حدیثی بر طبق این فتوا نداریم، آن مرد ناشناس گفت: شیخ طوسی در تهذیب حدیثی در این باب ذکر نموده و شما از کتاب تهذیب فلان مقدار را از اول بشمارید که در فلان صفحه و فلان سطر، این حدیث مذکور است.

علامه در حیرت ماند که این شخص کیست که چنین بر احادیث شناخت و احاطه دارد.

سپس از آن مرد ناشناس! پرسید: آیا در این زمان که زمان غیبت کبری است می توان حضرت صاحب الامر (عج) را دید و به محضرش شرفیاب گردید؟

در این هنگام تازیانه از دست علامه افتاد آن مرد ناشناس خم شد و تازیانه را از زمین برداشت و در میان دست علامه گذاشت و فرمود:  
چگونه صاحب الامر (عج) را نمی توان دید و حال آنکه دست او در میان دست تو می باشد!

مرحوم علامه، بی اختیار خود را به زیر انداخت که پای آن حضرت را ببوسد، پس غش نمود و چون بهوش آمد کسی را ندید و پس از آنکه به خانه برگشت، رجوع به کتاب تهذیب نمود و آن حدیث را در همان ورق و همان صفحه و همان سطر که آن حضرت نشان داده بودند یافت. علامه اعلی الله مقامه، به خط خود در حاشیه کتاب تهذیب در آن مقام نوشت: این حدیث، حدیثی است که حضرت صاحب الامر علیه السلام با ذکر صفحه و سطر از این کتاب نشان داد.

مرحوم تنکابنی می گوید: آخوند لاهیجی می گفت:

من همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن حدیث، خط علامه را مشاهده کردم که مضمون سابق نوشته شده بود.

«راز تشرفات»

به اعتقاد عده ای از تشریف یافتگان محضر شریف امام عصر (عج)، راز بزرگ تشریف به محضر حضرت صاحب الزمان علیه السلام، در زمان غیبت



«محبت و عشق» به محضر آن بزرگوار است.

باید شوق و دوستی حقیقی بدست آورد، تا به وصال یار رسید و از فیض وجود پر برکتش بهره مند شد، زیرا که محبت واقعی، منشأ قرب روحی، و قرب روحی نیز، موجب وصال به محبوب است.

تشریف یافتگان معتقدند، اقرب الطریق، برای رسیدن به درگاه و پیشگاه قطب عالم امکان، حضرت ولی عصر (عج) محبت و عشق به آن بزرگوار است.

اگر عشق و محبت مستقر شود، انسان به جایی می‌رسد، که در فراق معشوقش می‌سوزد، می‌نالد و اشک می‌ریزد و در طلب حقیقی آن بر می‌آید و موانع تشریف را بر طرف نموده و در این راه خسته و مانده نمی‌شود، تا اینکه به مقصود واقعی خود نائل آید.

بدون تردید، یکی از مهمترین علل محرومیت از فیض دیدار حضرت مهدی (ع) در زمان غیبت، آلودگیهای روحی و سیئات اخلاقی است.

آنچه اکثر مردم را از فیض ملاقات امام زمان (عج) محروم داشته، کردار ناشایست، رفتار ناپسند، غفلت از آن نور مقدس الهی و توجه به غیر اوست، چنانچه خود آن حضرت در پیام خود «قسمت آخر از نامه مبارکشان به یاور راستین خود مرحوم شیخ مفید» قدس سره «...» می‌فرمایند:

«فَمَا تَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا تُكْرَهُهُ وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ»<sup>۱</sup>

«هیچ چیزی ما را از شیعیان محبوس و پنهان نساخته، جز آنچه به ما

می رسد از کارهای ناخوشایند و خلاف توقع از ایشان»

حضرت امیر المؤمنین علی (ع) برفراز منبر مسجد کوفه نیز در این باب فرمودند:

شما آشوبهای تاریک و دوران کور مبهمی در پیش دارید که از آن نجات پیدا نکند مگر «نومه» عرض شد: ای امیر مؤمنان، «نومه» چه کسی است؟

حضرت فرمودند: کسیکه مردم را بشناسد و مردم او را شناسند، آگاه باشید که هرگز زمین از حجت الهی خالی و تهی نگردد، اما خداوند در اثر ظلم و ستم و گناهان، مردم را از دیدار حجتش محروم سازد.<sup>۱</sup>

آری، زنگار و تیرگی گناه و معصیت ما است، که سلب توفیق زیارت و تشریف محضر آن حضرت را نموده، و در کوری و ظلمات قرار داده است. آنچه که مسلم است و بیان گردید، در دوران غیبت تشریف شخصی به محضر مولی (عج) امکان پذیر بوده و مشروط است به تهذیب نفس، اجتناب از گناهان، انجام واجبات و توسل به آن حضرت، چنانکه عالم زاهد و پرهیزکار فخر شیعه، مرحوم «سید بن طاووس قدس سره» به فرزندش می فرماید:

«وَالطَّرِيقُ مَفْتُوحَةٌ إِلَى إِمَامِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَنْ يُرِيدُ اللَّهُ  
جَلَّ شَأْنُهُ عِنَايَتَهُ بِهِ وَتَمَامَ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِ»<sup>۲</sup>

«راه بسوی امام تو، باز است برای کسیکه خداوند، جل شأنه، عنایتش را بر او بخواهد و احسانش را نسبت به وی کامل گرداند.»

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱

۲. کشف المحجّة، ص ۱۵۳

## وصف حضرت مهدی (ع)

قَدْ لَيْسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّهَا، وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبَارِهَا: مِنْ  
 الْأَقْبَالِ عَلَيْهَا، وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا وَالشَّرْخِ لَهَا، فَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ  
 ضَالَّةٌ الَّتِي يَطْلُبُهَا، وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا، فَهُوَ مُغْتَرِبٌ  
 إِذَا اغْتَرِبَ الْأِسْلَامُ، وَضَرَبَ بِعَسِيبِ دَابِّيهِ، وَالْأَصَقَ  
 الْأَرْضِ بِجِرَانِهِ، بَقِيَّةٌ مِنْ بَقَايَا حُجْنِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ

خَلِيفَةُ أَنْبِيَائِهِ.<sup>۱</sup>

امام علی (ع) در این خطبه به وجود مقدس امام زمان (عج) اشاره نموده  
 و می فرماید: (امام زمان (ع)) زره دانش بر تن دارد، و با تمامی آداب، و با  
 توجه و معرفت کامل آن را فراگرفته است، حکمت گمشده اوست که  
 همواره در جستجوی آن می باشد، و نیاز اوست که در به دست آوردنش  
 می پرسد. در آن هنگام که اسلام غریب گردد و چونان شتری در راه مانده  
 دُم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می چسباند.<sup>۲</sup>  
 او پنهان خواهد شد (دوران غیبت صغری و کبری) او باقیمانده  
 حجت های الهی، و آخرین جانشین از جانشینان پیامبران است.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱

۲. ضرب المثل است، چون شتر خسته شود، دُم خود را به حرکت در می آورد و گردن به زمین می چسباند، که نشانه ضعف و درماندگی اوست.

عده ای از مفسران نهج البلاغه در تعیین شخص مورد اشاره در خطبه قائلند، منظور وجود مقدس امام عصر (عج) می باشد.

مرحوم محقق خویی قائل است، منظور امام علی (ع) در این خطبه حضرت مهدی (عج) است، زیرا آن حضرت است که با آن صفات موصوف و مظهر آن هاست.<sup>۱</sup>

ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه در شرح این خطبه می نویسد:

شیعه امامیه قائلند که مقصود حضرت علی (ع) در این خطبه شخص قائم منتظر (عج) است. صوفیه گویند او «ولی الله» است، بگمان فلاسفه مقصود «عارف» است، و اهل تسنن عقیده دارند او «مهدی» است.... همه مسلمانان اتفاق دارند که دنیا و تکلیف مردم در عهد مهدی پایان می رسد<sup>۲</sup>

سوالی که شاید در ذهن بعضی از خوانندگان عزیز وجود داشته باشد، این است که نظر دانشمندان سایر فرق اسلامی مانند اهل تسنن در مورد امام عصر (عج) چیست که در اینجا به اختصار به چند نمونه از آراء و نظرات دانشمندان و علماء اهل تسنن اشاره می شود.

### حضرت مهدی (عج) و اهل سنت

شاید بعضی گمان کنند که ایمان و عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) اختصاص به شیعه دارد و مدارک و احادیث آن فقط در کتب شیعه موجود

۱. تفسیر نهج البلاغه، علامه جعفری، جلد ۲۷ ص ۲۷۱

۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۰ ص ۹۶

است.

در حالی که کثرت احادیث وارده از طریق اهل سنت و تألیفات علماء و محدثین معروف ایشان در این موضوع، خلاف آن گمان را تصدیق می‌کند. اصالت اعتقاد به حضرت مهدی(عج) از دیدگاه اهل سنت از آنجا روشن می‌گردد که روایات فراوانی در منابع و اصول روایی و اعتقادی آنها و نیز فتاوا و آراء دانشمندان و تاریخ علمی و سیاسی آنان در خلال نسلهای گذشته وجود دارد که گواه بر این عقیده است.

بواسطه همین اعتقاد به مهدویت است که در جوامع اهل سنت مشاهده می‌شود، حرکت‌هایی از سوی مدعیان مهدویت در میان آنها رخ داده است. جنبش‌هایی مانند جنبش مهدی سودانی در قرن گذشته و حرکت دیگری که در چند سال قبل در حرم مکه اتفاق افتاد، وجود این حرکتها و جنبشها اعتقاد به اندیشه مهدویت را به شکل آشکاری نشان می‌دهد.

با مراجعه به کتب اهل سنت، معلوم می‌شود، شمار راویان اهل سنت که در مورد حضرت مهدی(عج) حدیث نقل نموده اند کمتر از راویان شیعه نیست.

کهن ترین کتابی که از اهل سنت درباره حضرت مهدی(عج) وجود دارد، کتاب «فتن و ملاحم» اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفای سال ۲۲۷ هـ. ق) می‌باشد، وی کتاب خویش را قبل از ولادت وجود مقدس امام زمان(عج) و غیبت آن حضرت تألیف نموده است.<sup>۱</sup>

۱. مرحوم کلینی در کتاب کافی ولادت امام زمان را نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق می‌داند.

در اینجا نظرات تنی چند از علماء اهل سنت را در مورد امام عصر (عج) بر می شماریم.

«ابن قیم جوزی»: در کتاب خود بنام «المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف» پس از نقل تعدادی از روایات در مورد حضرت مهدی می گوید: «... امام مهدی (عج) همواره در جهت خیر و هدایت بوده و نقطه مقابل او مانند دجال که پیوسته در جهت شر و گمراهی است...»

«ابن حجر هیثمی»: در کتاب خود «الصواعق المحرقة» گوید:

مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او گفته اند، آیه «وانه لعلم الساعة» درباره حضرت مهدی (عج) نازل گردیده است، روایاتی که به صراحت وی را از خاندان پیامبر (ص) می داند خواهد آمد، در این صورت آیه شریفه دلالت بر برکت در ذریه فاطمه و علی دارد و خداوند از آن دو، فرزندان پاک و شایسته ای برآورد و نسل آن دو را کلیدهای حکمت و معادن رحمت قرار می دهد.

«ابن کثیر» در نهاییه گوید:

مهدی که در آخر الزمان ظهور می کند یکی از جانشینان راستین پیامبر (ص) و از پیشوایان هدایت شده می باشد که احادیث نبوی درباره او سخن گویند و بیان می دارند که وی در آخر الزمان خواهد بود.

«ابن داوود» از پیامبر (ص) روایتی نقل می کند به این مضمون:

۱. الامام المهدی عند اهل السنه، جلد یک ص ۲۸۹

۲. سوره زخرف، آیه ۶۱ - جز ۲۵

۳. الصواعق، ص ۹۶

۴. الامام المهدی عند اهل السنه، جلد یک ص ۲۹۶

پیامبر(ص) فرمودند:

... اگر باقی نماند از دنیا مگر یک روز خداوند آنروز را آنقدر طولانی نماید تا اینکه مبعوث شود مردی از خاندان من.<sup>۱</sup>

جلال الدین سیوطی در مورد آیه شریفه «لهم فی الدنیا خزی»<sup>۲</sup> می گوید:  
اما خواری و ذلت در جهان این است که وقتی مهدی(عج) قیام نماید، دشمنان را از دم شمشیر بگذرانند و این است خواری و ذلت...<sup>۳</sup>  
«علامه خیرالدین آلوسی» گوید:

بر اساس صحیح ترین گفته ها نزد اکثر اندیشمندان، ظهور مهدی(عج) از جمله نشانه های قیامت است و نظر برخی که آمدن و ظهور وی را انکار نموده اند، فاقد ارزش و اعتبار است.<sup>۴</sup>  
«شوکانی» گوید:

... روایاتی که در مورد مهدی(عج) آمده است به حد تواتر رسیده که شمارش آنها بالغ بر پنجاه حدیث می باشد که آنها بی شک متواترند...<sup>۵</sup>  
«سعد الدین تفتازانی» بیان می دارد:

خروج مهدی(عج) و فرود آمدن عیسی از موضوعاتی است که به مبحث امامت مربوط است و هر دو از نشانه های قیامت است و در این باب روایات صحیح بسیاری رسیده است.

۱. صحیح ابن داوود، جلد ۴ - ص ۸۷  
۲. سوره بقره، آیه ۱۱۴ و سوره مائده، آیه ۴۱  
۳. الامام مهدی عند اهل السنه، ج ۱ - ص ۳۵۴  
۴. الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۱۵۸  
۵. همان مدرک.

تفتازانی در ادامه گوید: دانشمندان اهل سنت برآنند، که مهدی (عج) پیشوائی عادل از فرزندان فاطمه (س) می باشد که خداوند هر وقت بخواهد او را برای یاری دین خود برانگیزد.<sup>۱</sup>

«محي الدين عربي» که یکی از عرفای بزرگ اسلامی است در کتاب «الفتوحات المکيه» آورده است:

آگاه باش، خداوند ما را یاری گرداند، پروردگار را خلیفه ای است که ظهور می کند در حالیکه زمین مملو از ظلم و بیداد شده باشد و او آن را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت و اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی نماید تا خلیفه خدا از خاندان رسول الله (ص) و از فرزندان فاطمه و همانم با پیامبر (ص) بر عالم حکمرانی کند.

او ستم و ستم پیشگان و ظالمان را نابود می کند و دین را برپا داشته و جان تازه در کالبد اسلام می دمَد. اسلام بعد از خواری به سبب او عزیز و ارجمند می گردد و پس از انزوا دوباره زنده میشود...

در احکام و مسائل دین آنگونه عمل می کند که اگر پیامبر (ص) بود همان گونه عمل می کرد، مذاهب باطل را از روی زمین برمی اندازد و جزء دین پاک و ناب اسلام. آئینی باقی نمی ماند...

او را مردانی است الهی که دولت وی را برپا داشته و او را یاری می کنند، آنان وزیران و معاونان او محسوب می شوند که بار مسئولیت

۱. الامام مهدی عنداهل السنه، ج ۱، ص ۲۱۴



سنگین مملکت را بدوش کشیده و او را در مأموریت الهی اش کمک می کنند.

... شهدای او بهترین شهیدان و امانت داران او برترین امانتدارانند...  
تا بدین جا، اقوال مختصری از بعض اندیشمندان و علماء اهل سنت بیان گردید. بر پژوهشگران محترمی که خواهان تتبع بیشتر در این زمینه هستند، لازم است رجوع کنند به کتب معتبر اهل سنت.

حال سؤال و جوابی را که اخیراً از طرف مؤسسه «رابطه العالم الاسلامی» که زیر نفوذ افراطی ترین فرقه اسلامی «وهابیان» قرار دارد، انتشار یافته، را به تحریر در آورده، تا روشن شود مسئله ظهور مهدی (عج) در میان مسلمانان قولی است که جملگی بر آن اعتقاد دارند.

اخیراً شخصی به نام «ابومحمد» از کشور آفریقای کینا سؤالی درباره ظهور حضرت مهدی منتظر (عج) از «رابطه العالم الاسلامی» کرده، دبیر کل آن مرکز فرهنگی در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به این که «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابی نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی (عج) را پذیرفته، متن رساله ای را که پنج نفر از علمای معروف حجاز در این زمینه تهیه کرده اند برای او ارسال داشته که به گوشه هایی از آن اشاره می شود.

در این رساله بعد از ذکر نام حضرت مهدی (عج) و محل ظهور او «مکه» چنین آمده است:

... به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند بوسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می کند همانگونه که از ظلم و ستم پر شده است...

او آخرین «خلفای راشدین دوازده گانه» است که پیامبر(ص) خبر از آنها در کتب «صحاح» داده است، احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر(ص) نقل کرده اند از جمله:

عثمان بن عفان، علی ابن ابی طالب، طلحه ابن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، قره ابن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه ابن یمان، جابر ابن عبدالله، ابوامامه، جابر ابن ماجد، عبدالله بن عمر، انس ابن مالک، عمران ابن حصین و ام سلمه.

اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده اند و غیر آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند.

سخنان فراوانی نیز از خود صحابه نقل شده که در آن بحث از ظهور مهدی(عج) به میان آمده که آنها را نیز می توان در ردیف روایات پیامبر(ص) قرار داد. زیرا این مسئله از مسائلی نیست که با اجتهاد بتوان چیزی پیرامون آن گفت، بنابراین آنها نیز طبعاً این مطلب را از پیامبر(ص) شنیده اند.

سپس اضافه می کند:

احادیث فوق که از پیامبر نقل شده و هم شهادت و گواهی صحابه که در اینجا بمنزله حدیث است در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون

اصلی حدیث اعم از «سنن» و «معاجم» و «مسانید» آمده است از جمله:  
 سنن ابن داوود، سنن ترمذی، ابن ماجه، ابن عمر والدانی، مسند احمد  
 ابن یعلی، صحیح حاکم و معاجم طبرانی... و غیر اینها.  
 در پایان پاسخ می آورد، حفاظ احادیث و دانشمندان حدیث نیز تصریح  
 کرده اند احادیث مهدی (عج) مشتمل بر احادیث «صحیح و حسن» است  
 که مجموع آن متواتر می باشد. بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی (عج) بر هر  
 مسلمانی واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت محسوب  
 می شود و جزء افراد نادان و بی خبر یا بدعت گزار آنرا انکار نمی کنند.

«بازگشت حکومت دنیا به آل محمد(ص)

وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَنُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا  
عَطْفَ الضَّرْوِ عَلَى وَلَدِهَا. وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ: وَتُرِيدُ  
أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ  
أُمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.<sup>۱</sup>

امام علی(ع) درباره ظهور دولت حقه آل محمد علیهم السلام،

می فرماید:

دنیا بر ما (آل محمد) بازگردد و مهربانی نماید مانند بازگشت شتر

بدخو و گاز گیر به بچه خویش.

و در پی آن این آیه کریمه را تلاوت فرمودند:

«ما اراده کرده ایم که بر مستضعفین منت نهاده و آنها را پیشوایان

خلق قرار داده و وارث ملک حکومت فرعونیان گردانیم.»<sup>۲</sup>

طبق مدارک قطعی و احادیث متواتر که در گذشته بدان اشاره گردید و حدیث مذکور از نهج البلاغه نیز مؤید به آن است. ما معتقدیم که سرانجام اداره امور جهان در کف با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته و از ترس فقر، پریشانی و ناامنی های گوناگون آزاد می شود. یقین داریم عالم به سوی یک آینده

۱. نهج البلاغه: حکمت ۲۰۰، ص ۱۱۸۱

۲. سوره قصص، آیه ۴ جزء ۲۰

درخشان و یک تکامل روحانی و عقلانی و نظام مستحکم دینی و الهی، و یک عصر صلح و صفا و برادری و همکاری پیش می‌رود. زمانیکه دنیا گرفتار سخت‌ترین اضطرابات شود و آتش ظلم و بیدادگری در همه جا شعله‌ور گردد، یک مصلح بزرگ الهی که بشارت ظهور او با تمام مشخصات در آیات متعدد قرآن کریم و روایات متواتر داده شده قیام می‌کند و دست به یک اصلاح عمومی در تمام عالم می‌زند.

این مصلح کل از دودمان پیامبر اسلام(ص) و از نسل علی و فاطمه زهرا(علیهما السلام) خواهد بود به مقتضای حدیث معروف:

«يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»

### «غیبت صغری و غیبت کبری»

خواننده گرامی، همانگونه که مستحضر هستید، دوران زندگی امام عصر(عج) را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

- ۱- دوران کودکی آن حضرت (از سال ۲۵۵ هـ ق تا سال ۲۶۰ هـ ق)
- ۲- دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ هـ ق تا سال ۳۲۹ هـ ق)
- ۳- دوره غیبت کبری که (از سال ۳۲۹ هـ ق شروع شده است و تا زمان ظهور ادامه دارد)

امام عصر(عج) را دو غیبت است، مرتبه اول آن که به غیبت صغری شهرت دارد از سال « ۲۶۰ هـ ق » آغاز و تا سال « ۳۲۹ هـ ق » امتداد یافت.

در طول این مدت اگر چه آن امام از نظر عامه غائب بود و توده مردم از درک ملاقاتش محروم بودند لیکن ارتباطات کاملاً منقطع نبوده و مردم بوسیله عده معدودی که بعنوان نواب آن حضرت معروف بودند، با امام خود تماس داشته و حوائج و مشکلات دینی و اجتماعی خود را حل می کردند.

### «نواب اربعه در زمان غیبت صغری»

در عدد آنها اختلاف است، لیکن وکالت چهار نفر، در بین شیعیان معروف است:

#### ۱- عثمان بن سعید:

از بزرگان و ثقات اصحاب امام حسن عسکری (ع) و وکیل آن حضرت بود.

احمد بن اسحاق می گوید: به امام هادی (ع) عرض کردم، با چه کسی معاشرت نمایم و احکام دینم را از او یاد بگیرم؟  
حضرت فرمود:

عثمان بن سعید مورد اعتماد من است. اگر چیزی برایت نقل کرد صحیح می گوید، حرفش را بشنو و اطاعت کن.<sup>۱</sup>

#### ۲- محمد بن عثمان:

بعد از وفات عثمان بن سعید، فرزندش محمد به وکالت از ناحیه امام عصر منصوب گردید.

ما مقانی، رجالی مشهور می گوید: جلالت و بزرگی محمد بن عثمان

نزد امامیه ثابت است و محتاج به بیان و اقامه برهان نیست.<sup>۱</sup>

### ۳- حسین بن روح:

حسین بن روح سومین وکیل امام عصر(عج) می باشد که از بزرگان وثقات و دانایان عصر خویش بود. هنگام بیماری محمد بن عثمان نائب دوم امام عصر، گروهی از بزرگان شیعه محضر او رسیده و از جانشین او سؤال نمودند، در جواب گفت:

حسین بن روح جانشین من و وکیل مورد اعتماد حضرت صاحب الزمان(عج) است، در کارها به او مراجعه کنید، من از جانب امام مأمورم که حسین بن روح را به نیابت منصوب گردانم.<sup>۲</sup>

### ۴- ابوالحسن علی ابن محمد سمري:

نائب چهارم امام عصر علی ابن محمد سمري است که محضر امام هادی و امام عسکری(علیهما السلام) را درک نموده و آن دو امام با وی مکاتبه داشته اند و از موثقین شیعیان بوده است.<sup>۳</sup>

چند روز قبل از وفات علی ابن محمد سمري نامه ای را از ناحیه مقدس امام عصر دریافت می نماید که محتوای آن چنین بوده است.

«علی ابن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند، زیرا تا شش روز دیگر مرگت خواهد رسید، کارهایت را سرانجام ده، لیکن کسی را جانشین قرار مده زیرا بعد از این غیبت کامل واقع خواهد شد. من تا هنگامیکه خدا اذن ندهد و زمانی طولانی نگذرد و دلها را

۱. رجال مامقانی، ج ۳ ص ۱۴۹

۲. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۵۵

۳. رجال مامقانی، ج ۲ ص ۳۰۴

قساوت نگیرد و زمین از ستم مملو نشود آشکار نخواهم شد...<sup>۱</sup>

### « غیبت کبری »

بعد از مرگ نایب چهارم در زمان غیبت صغری در نیمه شعبان ۳۲۹ غیبت کامل و کبری آغاز گردید.

اخبار و روایات، قبل از غیبت خبر از وقوع دو غیبت برای امام عصر (عج) داده اند که به یک نمونه از آن اشاره می شود:

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

قائم را دو غیبت است یکی طولانی و دیگری کوتاه.<sup>۲</sup>

اسماعیل بن یعقوب گوید، در زمان غیبت صغری نامه ای را محضر ولی عصر (عج) ارائه نموده و در آن از حضرت سؤال کردم، در زمان غیبت وظیفه شیعیان چیست و به چه کسی باید مراجعه نمایند،

امام (ع) در پاسخ مرقوم فرمودند:

.... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ

أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

در حوادث (زمان غیبت) به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها

حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم بر شما.<sup>۳</sup>

امام عسکری نیز در پاسخ سؤالی مبنی بر وظائف شیعیان در زمان

غیبت می فرمایند:

۱ . بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۶۱

۲ . بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۵۵

۳ . کشف النعمه، ج ۳ ص ۴۵۷



هر کدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبور و حافظ دین و مخالف هوی و هوس و مطیع فرمان خداوند بود، بر مردم است که از وی تقلید و پیروی نمایند.<sup>۱</sup>

### «فلسفه غیبت»

پیش از آنکه یاد آور علت و مصالح غیبت شویم، به نکته ای باید توجه داشت و آن اینکه، تاکنون بشر با همه پیشرفتهای علمی که داشته، نتوانسته است پی به اسرار خلقت تمام موجودات این عالم ببرد و پیوسته معلومات بشر در مقابل مجهولاتش بسیار مختصر و ناچیز بوده است.

با توجه به این مطلب باید اذعان داشت که کسی نمی تواند نسبت به وجود یکی از پدیده های این جهان بزرگ به علت عدم کشف سرّ پیدایش و آفرینش آن اعتراض کند، و یا پاره ای از قوانین عالم تکوین را بی فایده و بی مصلحت بداند.

بعد از بیان این مقدمه کوتاه، باید گفت؛ ما در ایمان به غیبت حضرت ولی عصر(عج) به هیچ وجه محتاج به دانستن نیستیم و اگر فرضاً نتوانستیم به هیچیک از اسرار آن برسیم در ایمان به آن جازم و به طور قطع آنرا باور داریم. باید دانست که سؤال از اسرار غیبت تنها در زمان ما و اختصاص به عصر و دوران ما ندارد.

بلکه پیش از تحقق غیبت و حتی ولادت امام عصر(عج)، هنگامیکه پیامبر و ائمه اطهار (صلوات الله اجمعین) از غیبت خبر دادند این سؤال در

اذهان مسلمین بوجود آمد.

چرا امام مهدی (عج) غایب می شود؟

در جواب این سؤال بوجود آمده، ائمه اطهار (علیهم السلام) پاسخهایی را ارائه نموده اند که به بعضی از آنها به فراخور بحثمان اشاره می نمائیم.

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: امام صادق (ع) فرمودند:

حضرت صاحب الامر (ع) ناچار غیبتی خواهد داشت، بطوری که

گمراهان در شک واقع می شوند. عرض کردم، چرا؟

حضرت فرمودند: مآذون نیستم علتش را بیان کنم، گفتم: حکمتش

چیست؟

آن حضرت فرمودند: همان حکمتی که در غیبت حجت‌های گذشته وجود

داشت، در غیبت آن جناب نیز وجود دارد. اما حکمتش ظاهر نمی شود، مگر

بعد از ظهور او، چنانکه حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و

اصلاح دیوار به دست خضر (ع) برای موسی (ع) آشکار نشد، جز هنگامیکه

می خواستند از هم جدا شوند.

ای پسر فضل! موضوع غیبت سرتی از اسرار خدا و غیبتی است از غیوب

الهی، چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی

حکمت صادر می شود. گر چه تفصیلش برای ما مجهول باشد.

همانطور که در روایت، امام صادق (ع) اشاره فرمودند، علت عمده غیبت

معلوم نخواهد شد مگر بعد از ظهور آن حضرت، همانطور که حکمت

کارهای حضرت خضر در موقعی که حضرت موسی (علی نبینا و آله وعلیه السلام) با او مصاحبت داشت معلوم نشد مگر در وقت مفارقت آنها از یکدیگر.

با توجه به این مطلب، به چند علت از اسرار غیبت اشاره مینمائیم.

۱- حکمتها و اسرار معلومی که در غیبت آن حضرت هست، از جمله، امتحان بندگان، زیرا بواسطه غیبت مرتبه ایمان و تسلیم افراد در برابر تقدیر الهی ظاهر می شود.

امام موسی بن جعفر (ع) در این باره می فرمایند:

هنگام غیبت، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند، برای صاحب الامر ناچار غیبتی خواهد بود، به طوریکه گروهی از مومنین از عقیده خود برمی گردند، خدا بوسیله غیبت، بندگان را امتحان می کند.

۲- عدم آمادگی مردم در پذیرش سیره آن حضرت.

یکی از مصالح غیبت، انتظار کمال استعداد بشر و آمادگی فکری او برای ظهور آن حضرت است. زیرا روش و سیره آن حضرت مبنی بر رعایت امور ظاهری و حکم به ظواهر نیست، بلکه مبنی بر رعایت حقایق و حکم به واقعیات و ترک تقیه در امور دینی و احقاق حقوق و اجرای تمام احکام اسلامی است که انجام این امور نیاز به تکامل علوم و معارف و ترقی و رشد فکری و اخلاقی بشر دارد بطوری که استعداد عالم گیر شدن تعالیم

اسلام و جهانی شدن حکومت احکام قرآن فراهم باشد.

### ۳- عدم تمکین مردم

فیلسوف و دانشمند بزرگ اسلامی مرحوم شیخ طوسی (ره) در مورد سبب غیبت امام عصر (عج) چنین می گوید: «اما سبب غیبت امام زمان، پس جایز نیست که از جانب خدای سبحان و یا از جانب خود آن حضرت باشد، بلکه همانگونه که شناختی از مردم و مکلفین است و آنهم خوف غالب و تمکین نداشتن مردم از امام است. و هر موقع این سبب زائل شود یعنی مردم تمکین و اطاعت از امام نمایند، ظهور واجب می شود.

«وَأَمَّا سَبَبُ غَيْبَتِهِ فَلَا يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مِنْ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَ لَأَمْنَهُ كَمَا عَرَفْتَ فَيَكُونُ سَعْيَ الْمُكَلَّفِينَ، وَ هُوَ الْخَوْفُ الْغَالِبُ وَ عَدَمُ التَّمَكُّينِ وَ الظُّهُورُ يَجِبُ عِنْدَ الزَّوَالِ سَبَبٌ»<sup>۱</sup>

### چرا امام زمان (ع) ظهور نمی کند:

حال که ظلم و ستم و بیدادگری همه جای عالم را فرا گرفته و تعداد بیشماری از مردم دنیا تحت فشار زورگویان و ستمگران به فغان و ناله آمده اند، چرا امام زمان (ع) ظاهر نمی شود؟  
تا با انقلاب خود اوضاع بی سرو سامان جهان را سامان داده و به ظلمها و ستمها خاتمه دهد.

اندیشمندان برای کلمه انقلاب تعاریف متفاوتی بیان نموده اند از جمله،

۱. رساله امامت شیخ طوسی، فصل سوم، ص ۲۴

« انقلاب عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کل جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازین و ارزشهای اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم...»

این دگرگونی اتفاق نمی افتد، مگر اینکه افکار عمومی جامعه آماده پذیرش و استقبال از آن باشد.

هنگامیکه همه افراد جامعه خواستار انقلاب و افکار عمومی نیز برای پشتیبانی از آن مهیا باشد، انقلاب با پیروزی قرین خواهد بود. در غیر این صورت با شکست مواجه خواهد شد.

قیام و انقلاب امام عصر(عج) نیز مستثنی از این قاعده کلی نبوده، در صورتی می تواند پیروز گردد که اوضاع و شرائط مساعد و زمینه فراهم باشد.

انقلاب امام مهدی(عج) انقلابی است جهانی و فراگیر، که شامل همه جوامع بشری می شود او با انقلاب خود می خواهد تمام اختلافات نژادی و کشوری و زبانی و دینی را بر طرف ساخته و سرتاسر گیتی را با یک حکومت نیرومند اداره کند، تا همه بشر با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند و جوامع انسانی را به سعادت و کمال واقعی برساند و اجتماع صالحی بوجود آورد که بر پایه فضائل و صفات انسان و اخلاق نیک استوار باشد.

او می خواهد آنچه را که دشمنان اسلام و سیاستمداران ریاست طلب سازمان داده اند باطل و خراب و آنچه را که از احکام اسلام متروک و

ضایع کرده اند همه را اجراء و زنده سازد.

اسلامی را که جدش پیامبر اکرم (ص) آورده در اثر ظلم صاحبان قدرت و زمامداران دنیا طلب، مهجور و از رسمیت افتاده، از نور رسمیت جهانی دهد. و خلق را به اسلام و قرآن بازگردانده و از زورگویان و متصدیان امور مردم به شدت مؤاخذه نماید.

معلوم است که انجام این نهضت و انقلاب، محتاج به رشد و ترقی بشر و کسب علوم و معارف و پذیرش و استقبال از این نهضت و لیاقت زمامداری آن رهبر عظیم الشان الهی می باشد.

جامعه بشری در اعصار مختلف پیوسته امیدوار بوده و هست که حاکمان و زمامدارانشان جلوی، ناعدالتیها و تعدیات را گرفته و اسباب رفاه و آسایش عموم را فراهم سازند. لیکن هیچگاه به امید و آرزوی خود که همان جامعه ایده ال خالی از ظلم بوده نرسیده است.

اندیشمندان اعتقاد دارند، باید آنقدر حکومتهای رنگارنگ با مرامها و شعارهای مختلف در جهان بر پا شود و بی لیاقتی آنها ثابت گردد تا بشر از اصلاحات آنها مایوس و تشنه اصلاحات الهی گشته و برای پذیرفتن حکومت توحیدی آماده گردد.

هشام بن سالم از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند:  
 « تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند صاحب الامر قیام نمی کند، برای اینکه وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید: اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم»<sup>۱</sup>

امام باقر(ع) می فرمایند:

«دولت ما آخرین دولت است، هر خاندانی که لیاقت برای حکومت داشته باشد قبل از ما به حکومت می‌رسند، تا وقتی که حکومت ما تأسیس شد و رفتار آنرا دیدند، نگویند: ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم مانند آل محمد(ص) عمل می‌کردیم و این است معنای آیه، والعاقبه للمتقین»<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده تا حدودی روشن گردید که هنوز طبع بشریت برای تحمل حکومت توحیدی امام عصر(عج) آماده و مهیا نشده، لیکن چنان نیست که برای همیشه از این نعمت بزرگ محروم بماند، بلکه خداوند حکیم که انواع موجودات را به کمال مطلوب می‌رساند، نوع انسان را نیز از رسیدن به غایت مطلوب، محروم نخواهد ساخت،

### « عدم طاقت و توانایی سلوک با ولی عصر »

از جمله علمای بنام سده سیزدهم، مرحوم وحید بهبهانی است که در سنه ۱۱۱۸ قمری در اصفهان متولد و در سنه ۱۲۰۶ یا ۱۲۰۸ در کربلا در گذشته و پائین پای شهداء مدفون گردیده است.

آن جناب، دارای مراتب بلند معنوی بوده و از عنایات غیبی ولی عصر (ارواحنا له الفداء) برخوردار بوده و از اشراف و دستگیری و مدد آن حضرت بهره می‌گرفته است.

آن بزرگوار خود می‌گوید، در اول ورودم به کربلا مردم را موعظه می‌نمودم، روزی در اثناء بیانات، حدیث شریفی بر زبانم جاری شد که

مضمون آن حدیث شریف این بود که زیاد نگوئید چرا امام عصر (عج) ظهور نمی‌کند، زیرا شما طاقت و توانایی سلوک با او را ندارید، زیرا لباس او درشت و خوراک او نان جو است.

بعد گفتم؛ از الطاف الهی، غیبت صاحب الزمان است، زیرا ما را قوت اطاعت وی نیست.

در این هنگام اهل مجلس، به یکدیگر نگاه کرده و بطور نجوا شروع به صحبت کردن با یکدیگر نمودند از جمله به هم می‌گفتند:

این مرد راضی نیست که امام زمان (عج) ظهور کند که مبادا ریاست از وی زائل شود و به حدی زمزمه در میان آنان شد که من خائف شدم با سرعت از منبر، فرود آمده به خانه رفتم و درب را به روی مردم بستم.

بعد از ساعتی کسی درب خانه را زد، به عقب درب آمدم و گفتم: کیستی؟ گفت: فلانم که سجاده تو را به مسجد می‌بردم من درب را گشودم و او سجاده را از همانجا به صحن خانه انداخت و گفت: ای مرتد سجاده خود را بردار که در این مدت به عبث به تو اقتدا کردیم و عبادات خود را باطل بجای آوردیم.

من سجاده را برداشته و آن مرد نیز رفت، و از ترس درب را محکم بستم و متحیر نشستم، چون پاسی از شب گذشت درب خانه را زدند من با خوف تمام، گفتم: کیستی؟

دیدم همان سجاده بردار است که با عجز و التماس و اسرار، عذر می‌خواهد و قسمهای غلیظ و شدید به من می‌دهد که درب را بگشایم و



من از خوف، درب را نمی‌گشودم تا آنقدر سوگند یاد کرد و اظهار عجز نمود که من یقین به صدق او پیدا کردم، لذا درب را گشودم.

ناگاه دیدم بر قدمهای من افتاده پاهای مرا بوسید پس به او گفتم: ای مرد مسلمان آن سجاده آوردن و مرا مرتد گفتن چه بود و این به قدم من افتادن و بوسه زدن چیست؟

گفت: مرا ملامت مکن، چون از نزد شما رفتم، خوابیدم در عالم رؤیا دیدم که حضرت صاحب الزمان (عج) ظهور فرموده، من با شتاب فراوان خدمتش مشرف شدم آن حضرت به من فرمود: فلانی این عبا تو از مال فلان کس است و تو ندانسته ای و از دیگری گرفته ای باید به صاحبش ردّ کنی، پس عبا را به صاحب اصلیش ردّ نمودم. آنگاه فرمود:

این عبا تو نیز از فلان شخص است و تو آن را از دیگری خریده ای باید آنرا هم به صاحب اصلیش ردّ نمایی و همچنین امر نمود تا تمام لباسهایم را به دیگران دادم، آنگاه به سراغ خانه و ظروف و فرشها و باغ و بستان من و سائر مخلفات آمد و از برای هر یک، مالکی معین نمود و به او ردّ فرمود.

سپس فرمود:

زنی که در نکاح تو است خواهر رضاعی تو می باشد و تو ندانسته او را تزویج کرده ای او را هم باید به اهلش برگردانی من او را هم رد نمودم در این هنگام پسر من که قاسمعلی نام دارد پیدا شد، همین که نظر آن حضرت بر او افتاد، فرمود:

این پسر از همین زن پیدا شده و فرزند حرام است این شمشیر را بردار و گردن او را بزن من در این هنگام خشمگین شده گفتم به خدا قسم که تو سید نیستی و از ذریه پیغمبر نمی باشی تا چه رسد که صاحب الزمان باشی، همین که این سخن را گفتم از خواب بیدار شدم و دانستم که ما را قوت و نیروی اطاعت و فرمانبرداری او نیست و صدق فرمایش جنابعالی بر من معلوم گردید و از کرده خود نادم و از گفته خود پشیمانم و اکنون مرا عفو فرما.

## اجتماع مؤمنین

فِي حَدِيثِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرْبَ يَعْسُوبٍ  
الَّذِينَ بَدَلْتَهُمْ، فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ قُرْعُ الْخَرِيفِ

در گفتار آن حضرت است که از عظمت و بزرگی حضرت صاحب  
الزمان «عَجَلَّ اللهُ فَرْجَهُ» خبر داده می فرمایند:

چون وقت آن برسد آقای بزرگوار و پیشوای دین (از پنهان بودن و  
نگرانی) آشکار گردیده (به مقام سلطنت و خلافت خود) مستقر و پا برجا  
گردد، پس (مؤمنین از اطراف جهان) نزد آن بزرگوار گرد آیند چنانکه ابرها  
در فصل پائیز گرد آمده بهم می پیوندند. مرحوم فیض السلام شارح  
نهج البلاغه می گوید:

این فرمایش صریح هست به اینکه امام زمان (عج) زنده و از دشمنان  
پنهان و در روی زمین سیر می کند و هر وقت خدا بخواهد آشکار می شود.<sup>۱</sup>  
امام علی (ع) در فراز اول سخن خود می فرمایند؛ چون وقت آن برسد  
پیشوای جهانیان امام عصر (عج) آشکار گشته و بر مقام سلطنت و خلافت  
خود مستقر گردد، با توجه به این سخن این سؤال در ذهن خواننده بوجود

۱. شرح نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۲۰۲ حدیث اول.

۲. همان مأخذ

می آید:

### امام زمان (ع) چه وقت ظهر می کند؟

آنچه مسلم و از مفاد روایات ائمه معصومین «علیهم السلام» نیز استفاده می شود، برای ظهر آن امام (عج) وقتی تعیین نشده بلکه ائمه اطهار تعیین کننده وقت ظهر را کاذب دانسته اند.

فضیل یکی از یاران امام باقر (ع) نقل می کند: خدمت امام باقر (ع) عرض کردم، آیا ظهر مهدی وقت معینی دارد؟

حضرت در پاسخ سه مرتبه فرمودند:

هر کس برای ظهر وقتی تعیین کند دروغ می گوید.<sup>۱</sup>

امام صادق (ع) نیز در پاسخ پرسشی در مورد وقت ظهر امام عصر (عج)

فرمودند:

تعیین کنندگان وقت ظهر دروغ می گویند، تعجیل کنندگان هلاک می گردند و تسلیم شوندگان نجات می یابند. و به سوی ما بازگشت می کنند.<sup>۲</sup>

محمد بن مسلم نقل می کند امام صادق (ع) به من فرمودند:

هر کس وقت ظهر را تعیین کند، از تکذیب نمودنش باک نداشته

۱. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۰۳

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۰۳

باشید، زیرا ما برای ظهور وقتی تعیین نمی کنیم.

احادیث در این باب بسیارند که به سه نمونه از آن اشاره شد، از احادیث فوق استفاده می شود که زمان ظهور ولی عصر(عج) برای احدی معلوم و معین نمی باشد.

### علائم ظهور

برای ظهور امام عصر(عج) علائم بسیاری بیان شده است، طبق احادیث نقل شده از اهل بیت (علیهم السلام) علائم ظهور را به دو قسم می توان تقسیم نمود:

۱- علائم حتمی، که به قید و شرطی، مشروط نمی باشند و قبل از ظهور باید واقع شوند

۲- علائم غیر حتمی، علاماتی که بطور مطلق و حتم از علائم ظهور نیستند بلکه مشروط به شرائطی هستند، که اگر آن شرائط محقق شوند آن علائم نیز متحقق می شوند و الاخیر.

لازم بذکر است، حدوث هر یک از این علائم، نشانه‌ای است بر نزدیکی ایام فرج و دلالتی ندارد که بعد حدوث هر یک از این علامات، بی وقفه و بلافاصله، فرج اتفاق افتاده و حضرت ولی عصر(عج) ظهور نماید.

## «خروج سفیانی»

از احادیث بسیاری استفاده می شود که پیش از ظهور امام عصر (عج) مردی خروج می کند که در توصیف آن آمده است: مردیست ظاهر الصلاح و ذکر خدا مرتباً بر زبانش جاری است، اما از پلیدترین و خبیث ترین مردم است. هنگام خروج عده زیادی از مردم را فریب داده و با خود همراه می کند و گروهی از شیعیان را به قتل می رساند.

در این موقع از ظهور امام زمان (عج) اطلاع می یابد، لشگری را به جنگ آن حضرت می فرستد اما به آن حضرت دست نیافته و در بیابانی بین مکه و مدینه به هلاکت می رسد.

لازم به ذکر است احادیث سفیانی را عامه و خاصه نقل نموده اند.

## «خروج دجال»

بعضی نیز خروج دجال را یکی از علائم ظهور حضرت ولی عصر (عج) می شمارند و او را چنین توصیف می کنند:

«مردی است کافر، یک چشم بیش ندارد که در وسط پیشانی اش واقع شده است و بر الاغ سفیدی سوار است، آسمان و زمین در اختیار اوست... در کتب لغت «دجال» به معنای کذاب آمده است، و در زبان انگلیسی به آن آنتی کریست «Antichrist» ضد و یا دشمن مسیح گویند.

لفظ دجال، نام شخصی معین نیست بلکه در لغت عرب هر دروغگو و حيله بازی را دجال نامند.

در کتاب انجیل نیز لفظ دجال زیاد دیده می شود.<sup>۱</sup>

با مراجعه به سند بعضی از توصیفات و تعریفات که در مورد دجال شده است به این نتیجه می رسیم که بسیاری از آنها قابل اعتماد و اعتناء نمی باشند.<sup>۲</sup>

با توجه به مطالب بیان شده در مورد دجال می توان چنین گفت: در آخر الزمان و هنگام ظهور امام زمان (عج) شخصی خواهد آمد که در دروغگویی و نیرنگ، سر آمد همه نیرنگ بازان است و بر همه آنها برتری دارد. با ادعاهای پوچ و کذب خود گروهی از مردم را گمراه کرده و چنین وانمود می کند که حیات، آب و نان مردم بدست اوست، و مردم نیز بگونه‌ای اغفال می شوند که گمان میکنند، آسمان و زمین در اختیار اوست. در دروغگویی و نیرنگ چنان ماهر است که کارهای خوب را بد و کارهای بد را خوب معرفی می کند، و بهشت را جهنم و جهنم را بهشت جلوه می دهد. لیکن کفرش بر همه آشکار و واضح است.

«ندای آسمانی»

یکی دیگر از علائم ظهور امام زمان که بدان خبر داده شده است شنیده

۱. مهدی موعود، ص ۹۷۲

۲. مراجعه شود، عدالت گستر جهان، ص ۲۲۵

شدن ندای آسمانی است موحوم شیخ طوسی در کتاب مشهور خود به نام «غیبت» از حسن بن محبوب ثمالی نقل میکند، که خدمت امام صادق (ع) عرض کردم: صدای آسمانی چیست؟

آن حضرت فرمود: اول روز گوینده ای از آسمان صدا می زند، بطوریکه همه مردم با لغات مختلف خود، آنرا می شنوند، می گوید: آگاه باشید که حق در پیروی از علی و شیعیان اوست، آنگاه شیطان در آخر همان روز از زمین صدا می زند، آگاه باشید! که حق در پیروی از عثمان و پیروان اوست، در آن وقت است که اهل باطل دچار تردید می شوند.<sup>۱</sup>

در این باب به همین مقدار بسنده کرد و طالبین را به کتب نوشته شده در این باب ارجاع می دهیم.

### «طول عمر»

«مرحوم فیض الاسلام» شارح و مفسر نهج البلاغه در تفسیر سخن امام علی (ع) همانطور که بیان شد می گوید:

این فرمایش اشاره صریح به این نکته دارد که امام زمان (عج) زنده و از دشمنان پنهان است.<sup>۲</sup>

چنانکه اطلاع دارید، ما شیعیان طبق نصوص و روایات وارده، عقیده

۱. بحار الانوار، جلد ۵۲ ص ۲۴۱

۲. شرح نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۲۰۲



داریم که مهدی موعود(عج) در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶<sup>۱</sup> متولد شده است، و تا بحال زنده می باشد و در حال غیبت بسر می برد و شاید سالهای دیگر نیز به همین شکل بگذرد، سؤال می شود آیا وجود چنین عمر طولانی ممکن است یا خیر؟

در اینجا ما نخست امکان طول عمر را از نظر علوم و دانشهای طبیعی مانند علم پزشکی و زیست شناسی بیان می داریم.

از نظر علوم امروز، باید توجه داشت که علم امکان طول عمر را تأیید کرده و بر آن صحّه گذاشته و حتی بعضی از دانشمندان می کوشند تا بوسیله اکتشافات و اختراعات خود جلوی بعضی از عوارض بدن را که باعث کوتاهی عمر می شود گرفته بر طول عمر او بیافزایند.

دکتر «هنري الحيس» می گوید باید حدّ متوسط مرگ و مير عمومی را به حدّ مرگ و مير اطفال کمتر از ده سال رسانید و اگر این مساله عملی شود، انسان آینده، هشتصد سال زندگی خواهد کرد.<sup>۲</sup>

پزشک مشهور آلمانی «گوفلاند» معتقد است که مدت عادی زندگی بشر ۲۰۰ سال است.

فیزیولوژیست مشهور قرن نوزدهم «فلوگر» عمر بشر را تا ۶۰۰ سال و «روجر بیکن» انگلیسی تا ۱۰۰۰ سال قلمداد کرده اند.

۱. مرحوم کلینی تولد امام زمان (عج) را در کافی سال ۲۵۵ هـ ق می داند.

۲. کتاب نوید امن و امان، ص ۱۶۸

پروفسور «اسمیس» استاد دانشگاه کلمبیا، می گوید: حدّ و حصر سن، مثل دیوار صوتی است، همانطور که دیوار صوتی امروزه شکسته شده، دیوار سن نیز روزی خواهد شکست.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده، برای مدت زندگی انسان، حدّی که تجاوز از آن محال باشد تعیین نشده است و هیچ یک از دانشمندان ادعا نکرده‌اند که فلان مقدار سال، نهایت درجه ای است که انسان می تواند زیست کند، بلکه بسیاری از دانشمندان شرق و غرب بعد از تحقیقات وسیع خود اقرار کرده اند که عمر انسان حدّ و مرزی ندارد.

## تاریخ و طول عمر

با مراجعه به تاریخ گذشتگان علی الخصوص تاریخ ادیان، مشاهده می شود، که خداوند متعال تنها به امام زمان (عج) چنین عمر طولانی ارزانی نداشته است بلکه بسیاری بوده اند در تاریخ که دارای عمر طولانی بوده‌اند از جمله آنان نوح پیغمبر (ع) است که بعضی از مورخین عمر آن حضرت را «۲۵۰۰» سال دانسته اند.

قرآن کریم با صراحت بیان می دارد، که نوح نهصد و پنجاه سال در بین قوم خویش مشغول دعوت و تبلیغ بوده است.<sup>۲</sup>

۱. کتاب نوید امن و امان، ص ۱۶۸

۲. ما نوح را بسوی قومش فرستادیم و نهصد و پنجاه سال در بین آنان درنگ نمود، پس طوفان قومش را فرو گرفت در حالیکه از ستمکاران بودند، سوره عنکبوت، آیه ۱۴

مسعودی تاریخ نویس مشهور در کتاب خود «مروج الذهب» به طول عمر عده ای اشاره کرده و نگاشته است:

آدم: ۹۳۰ سال، شعیث: ۹۱۲ سال، عاد ۱۲۰۰ سال، لوط ۷۳۲ سال، عمر بن عامر: ۸۰۰ سال، ..... عمر نموده اند.

### نتیجه:

از هر جهت که بنگریم، و استناد کنیم، علوم جدید و اخبار انبیاء و پیامبران تاریخ، همه امکان طول عمر و وقوع آنرا تصدیق و اثبات می نمایند، و آنرا خارج از قوانین طبیعی عالم نمی شمارند، بلکه باید گفت طبق قوانین عمرهای کوتاه خلاف سنن خلقت و طبیعت است.

### طول عمر امام زمان (عج)

تاکنون به این نتیجه رسیدیم که، امکان ذاتی و امکان وقوعی طول عمر ثابت و مسلم است. و در مورد طول عمر امام زمان (عج) علاوه بر تأییدات علمی صدها حدیث نیز وجود دارد که بر آن دلالت دارند.

در مورد طول عمر ایشان باید اذعان کرد، با وجود ایمان به خدا و قدرت و توانایی حضرت حق تعالی نباید در صحت او شک و تردید نمائیم. و هر کس خدا را قادر و توانا می شناسد باید آنرا باور کند.

عالم و دانشمند متتبع حضرت آیت الله صافی گلپایگانی در مورد طول عمر امام زمان (عج) می گوید:

«طول عمر امام زمان - فرضاً هم اگر امکان طبیعی طول عمر ثابت نباشد، تکیه ما بر قدرت خدا و اراده باری تعالی است و از اینکه طول عمر آن حضرت خارق العاده هم باشد، هیچ شبهه ای را وارد نمی دانیم. زیرا مساله خارق عادات و ایمان به معجزه اساس قبول و پذیرش نبوت است. تمام معجزات پیامبران امور خارق العاده است و کسانی که در این موضوع استبعاد می کنند، در مورد معجزات حرفی ندارند و تسلیم هستند، چه فرق می کند، زنده کردن مردگان و تبدیل عصا به اژدها و پیدایش ناقه از سنگ و نزول مائده از آسمان و سخن گفتن کودک در گهواره و ولادت عیسی بدون پدر، با عمر بسیار طولانی»<sup>۱</sup>

در انتها نظر خوانندگان محترم را به فرازی از دعای روحبخش ندبه، دعایی که مشتاقان و منتظران ظهور دولت کریمه حضرت ولی عصر (عج) و ارادتمندان به محضر آن امام هدی - اوراق العالمین له الفداء - پیوسته در حال زمزمه آن هستند جلب نموده و از ذات اقدس حضرت حق خواهانیم که ما را جزء ارادتمندان آن حضرت قرار دهد.

«اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ إِلَى وَ لِيِّكَ الْمَذْكُورِ بِكَ وَ

بَنِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَ مَلَاذًا، وَ أَقَمْتَهُ لَنَا قِوَامًا وَ مَعَاذًا،

وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا قَبْلَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَ سَلَامًا، وَ  
 زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا»

بار الها، ما بندگان ناتوان توئیم که به ولی تو که (دیدار و یادش) تو را  
 و پیغمبرت را به یاد آرد، پناهنده و مشتاقیم، تو او را برای ما پناهگاه و  
 تکیه گاه آفریدی، وی را برای بقاء ما نگهدار، او را پیشوا برای مؤمنین  
 قرار دادی، پس از ما به حضرت او درود و سلام فرست، و مهربانی  
 خود را به ما بدین وسیله افزون فرمای.

الهی آمین یا رب العالمین